

گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودرویی منطقه بسطام از شهرستان

سلسله، استان لرستان

احمد بازگیر*، مهدی پورهاشمی**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۹

چکیده

بشر از گذشته تا به امروز در بسیاری از زمینه‌ها برای بقا و بهبود کیفیت زندگی خود از طرق مختلف به گیاهان وابسته بوده است. گیاه مردم‌نگاری روشی برای شناخت این وابستگی و ارتباط بین مردم و گیاهان است. هدف از این پژوهش بررسی همه‌جانبه گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودرویی منطقه بسطام در استان لرستان از ناحیه ریشی زاگرس است. جامعه انسانی مورد مطالعه در این تحقیق اهالی دو روستای چشمه بید و چشمه صالح از شهرستان سلسله در استان لرستان است. روش پژوهش بکار رفته در این مطالعه گیاه مردم‌نگاری، روش مردم‌نگاری بوده است. برای گردآوری داده‌ها از مشاهده مستقیم، مشاهده همراه با مشارکت و مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده است. مصاحبه‌ها با افراد منتخب به روش نمونه‌برداری گلوله برفی انجام شده است. نتایج نشان داده که ۱۲۵ گونه گیاهی متعلق به ۴۱ خانواده گیاهی توسط اطلاع‌رسانان شناسایی شده است. خانواده‌های گیاهی کاسنیان (۴/۱۴) (Sitae درصد)، سوسنیان (۶/۹) (Liliaceae درصد) و گلسرخیان (۶/۹) (Rosaceae درصد) بیشترین فراوانی را در بین خانواده‌های گیاهی داشته‌اند. نتایج بیانگر این است که دانش و کاربرد گیاهان بسیار متنوع بوده و بیشتر شناخت و استفاده‌ها شامل ۵۹ گونه (۴۹/۶ درصد) استفاده دارویی و ۲۰ گونه (۱۶/۸ درصد) برای ابزار و صنایع دستی کاربرد داشته است. نتایج نشان داد که بخش عمده‌ای از دانش بومی گیاهان شامل دانش نام‌گذاری آنها، مکان رویش، خواص گیاهان، شیوه بهره‌برداری و شیوه استفاده از گیاهان است و نام‌های محلی گیاهان اغلب متأثر از خصوصیات ریخت‌شناسی، ثمره (میوه) و خواص (کاربرد) آنها است.

کلیدواژه‌ها: استفاده خوراکی، استفاده علوفه‌ای، چشمه صالح، دانش بومی، زاگرس.

ahmadbazgir58@yahoo.com

* دکتری جنگلداری دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

** دانشیار جنگلداری مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

pourhashemi@rifr-ac.ir

مقدمه

همه انسان‌ها برای بقای خود از طرق گوناگون به گیاهان وابسته هستند. امروزه و در آینده ما در بسیاری از زمینه‌ها برای بهبود کیفیت زندگی به آنها وابسته هستیم. گیاهان رکن اساسی برای عملکرد جوامع بشری و عملکرد کلیه بوم‌سازگان‌ها (اکوسیستم) هستند. فتوسنتز گیاهان همراه با باکتری‌ها و جلبک‌ها تقریباً عهده‌دار تشکیل تمام انرژی مصرفی ما هستند (Prance, 2007: 1). انسان‌ها از گیاهان برای موارد مختلفی از جمله غذا، دارو، دامداری، کشاورزی، زنبورداری، مصالح ساختمان، بهداشت، آرایش، ابزار و غیره استفاده می‌کنند (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۴ و ۴۵؛ اهوازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲؛ Rahman et al., 2019:383; Kathambi et al., 2020:479,480). این استفاده‌ها در طول تکامل بشر منجر به شکل‌گیری تجربه‌های ارزنده‌ای برای بهره‌برداری از گیاهان جهت بهتر نمودن زندگی در طی سالیان متوالی شده است. تجربه‌ای که برای نسل امروز به‌عنوان یادگار و ثروتی ارزشمند از پیشینیان به‌جای مانده است (اهوازی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۵؛ پورهایمی، ۱۳۹۹: ۶۳؛ Xiong et al., 2020:402). بررسی و ثبت و ضبط این تجربه‌ها و روابط انسان با گیاهان را در اصلاح اتنوبوتانی^۱ یا گیاه مردم‌نگاری گویند (Prance, 2007: 1).

گیاه مردم‌نگاری شاخه‌ای از علم اتنواکولوژی^۲ است که مربوط به گیاهان می‌باشد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰). اصطلاح اتنوبوتانی برای اولین بار توسط گیاه‌شناس آمریکایی دکتر جان ویلیام هرشبرگر^۳، در یک سخنرانی در فیلادلفیا آمریکا در سال ۱۸۹۵ میلادی، برای توصیف پژوهش‌های خود با عنوان "گیاهان تولید شده توسط مردم بومی"^۴، استفاده شد. هرشبرگر اتنوبوتانی را به‌عنوان زمینه‌ای برای روشن کردن شرایط

1. Ethnobotany

۲- اتنواکولوژی (Ethnoecology) یا بوم‌شناسی مردمی به مطالعه کلیدی یافته‌های مردم یک منطقه در خصوص محیط طبیعی می‌پردازد (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۰).

3. John William Hershberger

4. Plants produced by primitive and indigenous peoples

(وضعیت) فرهنگی یک جامعه در رابطه با گیاهان بیان کرده است که از گیاهان برای غذا، حفاظت، دارو، لباس، شکار، آرایش، پرچین، همیزم، الوار، غذا، ابزار کشاورزی، مصالح ساختمانی و مراسم مذهبی استفاده می‌شود. اتنوبوتانی در واقع مطالعه رابطه بین گیاهان و انسان در طول زمان و مکان‌های مختلف در بوم سازگان‌های خاکی و آبی است؛ که اتنو^۱ مطالعه در رابطه با انسان‌ها و بوتانی^۲ مطالعه گیاهان است (Prance, 2007:1,2; Rahman et al., 2019:382).

بنابراین گیاه مردم‌نگاری به مطالعه و بررسی چگونگی استفاده افراد یک قوم، یک فرهنگ و یا یک ناحیه خاص از گیاهان بومی موجود در آن منطقه می‌پردازد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۳۰). گیاه مردم‌نگاری علمی گسترده است چرا که تقریباً تمامی مردم کره زمین زندگی‌شان به گیاهان وابسته و در ارتباط است، اما جوامع محلی و روستاییان ارتباط بیشتری با گیاهان دارند زیرا این امر مسئله‌ای است که در بسیاری موارد تضمین‌کننده بقا و معیشت آنها است، بنابراین این علم را می‌توان علمی غالباً تجربی و تا اندازه زیادی کاربردی قلمداد کرد (فرهادی، ۱۳۸۵: ۵۲).

دانش گیاه مردم‌نگاری همان‌طور که اشاره شد دربرگیرنده جنبه‌های مختلفی از زندگی مردم است و در بسیاری از زمینه‌های نگرانی‌های حال حاضر جهانی، شامل امنیت غذایی، تغییرات آب‌وهوایی، حفظ تنوع زیستی و سلامت انسان کاربرد دارد. علاوه بر این مطالعات گیاه مردم‌نگاری می‌تواند بینشی در ارتباط با نحوه تعامل محلی جوامع با منابع طبیعی خود فراهم آورد. مردم از زمان‌های بسیار قدیم گیاهان را برای درمان بیمارهای مختلف جمع‌آوری کرده‌اند و امروزه مطالعه آنها به یکی از مهم‌ترین موضوعات گیاه مردم‌نگاری تبدیل شده است. گیاهان دارویی که توسط ۸۰ درصد از ۲۰۰۰ گروه قومی در جهان مورد استفاده قرار می‌گیرد، مورد توجه بسیاری از دانشمندان و عموم مردم قرار گرفته است (Zhao et al., 2020: 473; Xiong et al., 2020:402).

1. ethno
2. botany

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی^۱، ۱۱ درصد از ۲۵۲ داروی اولیه پزشکی که ضروری هستند، منشأ گیاهی دارند (Rahman et al., 2019:383). همچنین گیاهان خودرو بخش قابل توجهی از علوفه دام‌ها به‌ویژه برای کشاورزان خرده‌مالک را در سطح جهانی و بیشتر در کشورهای در حال توسعه تأمین می‌کنند. از نظر تاریخی، جنگل‌ها در بیشتر مناطق جهان نقش مهمی در تغذیه دام‌ها داشته‌اند. از قرون وسطی، برگ درختان و درختچه‌ها و همچنین گیاهان علفی خودرو به‌عنوان علوفه در کشورهای اروپایی استفاده شده است، به‌عنوان مثال، دامداران در زمستان که کمبود خوراک دام وجود دارد، به درختچه‌ها و درختان همیشه‌سبز خوش خوراک اتکا می‌کردند (Luske and Eekeren, 2018:975).

دام برای معیشت و امنیت غذایی تقریباً یک میلیارد نفر حیاتی است و مصرف محصولات دامی بر رژیم غذایی و سلامت این جمعیت تأثیر می‌گذارد (Robinson et al., 2014:1). شناخت و چگونگی مدیریت گیاهان علوفه‌ای توسط دامداران به‌ویژه در شرایطی که قیمت علوفه‌های تجاری بالا است می‌تواند تأثیر مهمی در تعیین پایداری استفاده از این منبع و امنیت غذایی جوامع داشته باشد (Geng et al., 2020:456). بخش مهم دیگر گیاه مردم‌نگاری دانش استفاده از گیاهان خوراکی خودرو^۲ (WEPs) است (Shin et al., 2018:1). WEPs در واقع گونه‌های گیاهی جمع‌آوری شده در طبیعت برای مصرف به‌عنوان غذا یا نوشیدنی است. WEPs مواد مغذی مهمی برای انسان‌ها فراهم می‌کنند و به‌عنوان یک منبع مهم انرژی و ریزمغذی‌ها می‌توانند تنوع رژیم‌های غذایی انسان را افزایش دهند.

WEPs همچنین در هنگام قحطی و هنگامی که عرضه عادی مواد غذایی مختل شده است، منابع غذایی مهمی بوده‌اند. در حال حاضر، علی‌رغم اهمیت و سودمندی WEPs، انسان‌ها تعداد محدودی از گونه‌های گیاهی را به‌عنوان غذای اصلی مصرف می‌کنند (Shin et al., 2018:1). این محدودیت می‌تواند منجر به کمبود جهانی غذا و از دست دادن دانش

1. World Health Organization
2. Wild edible plants (WEPs)

در مورد WEPSs شود. همچنین WEPSs امکان تولید محصولات جدید از طریق اهلی سازی را دارند، علاوه بر این‌ها سنت غذای محلی نوعی فرهنگ است و از دست دادن دانش سنتی WEPSs به معنای از دست دادن بخشی از هویت فرهنگی است (Shin et al., 2018: 1). هم‌زمان با از دست رفتن تنوع فرهنگ‌ها بخشی از تنوع زبان‌ها در ارتباط با گیاهان نیز از دست می‌رود. به‌عنوان مثال، پرنس^۱ در سال ۲۰۰۷ بیان می‌کند که در هر دهه، صدها زبان از تقریباً ۷۰۰۰ زبان باقیمانده در جهان از بین می‌روند و احتمالاً بیش از ۵۰ درصد در ۵۰ سال آینده از دست خواهد رفت (Prance, 2007: 1).

علاوه بر موارد اشاره‌شده، دانش گیاه مردم‌نگاری در دیگر زمینه‌ها از جمله ساخت سرپناه (ساختمان) برای انسان و دام، وسایل و ابزار کار و خانه، تأمین سوخت و غیره کاربرد داشته و دارد. آنچه که فهرست‌وار اشاره شد بخش بسیار کوچکی از دانش گیاه مردم‌نگاری است که متأسفانه با شتابی تند شونده در حال نابودی است (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۶). این‌ها نشان‌دهنده این است که ما میراث فرهنگی خود را با سرعت از دست می‌دهیم که به‌طور جدی فرصت‌های ما را برای دستیابی به پایداری در آینده کاهش می‌دهد. برای معکوس کردن این روندها، باید به خرد روش‌های مختلف برخورد با طبیعت که در هر جامعه وجود دارد احترام بگذاریم (Prance, 2007: 1,2).

زندگی ایرانیان مانند هر فرهنگ کهنسال دیگری متأثر از گیاهان بوده است (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۴). با توجه تنوع اقلیمی کشور ایران اهمیت گیاهان در زندگی ایرانیان می‌تواند پررنگ‌تر باشد. ایران تقریباً دارای اغلب اقلیم‌های حیاتی جهان است به‌گونه‌ای که ۱۱ اقلیم از ۱۳ اقلیم شناخته شده جهان در آن ثبت شده است (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۷۲). بنابراین از نظر تنوع اقلیمی و آب‌وهوایی می‌توان آن را جزء غنی‌ترین بخش‌های جغرافیایی جهان شمرد و همین تنوع اقلیمی کم‌نظیر شرایط مناسبی را برای رویش انواع گیاهان خودرو در این عرصه پهناور فراهم آورده است (قاسمی دهکردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷)، به‌طوری‌که حدود ۷۰۰۰ گونه گیاهی در آن گزارش شده است

که از این تعداد حدود ۱۷۲۷ گونه انحصاری (اندمیک) کشور ایران می‌باشد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۱:۱۴۷). این تنوع گونه‌ای به اندازه‌ای است که تعداد گونه‌های گیاهی کشور ما بیشتر از پنج برابر تمام گونه‌های گیاهی اروپا است و این تنوع بالا توجه پژوهندگان تمام کشورهای جهان را به کشور ما جلب کرده است (فرهادی، ۱۳۸۵:۴۳).

این تنوع گیاهی و نیز تنوع اقوام گوناگونی که در فلات ایران سکونت دارند، موجب شده است که دانش گیاه مردم‌نگاری نیز از غنا و تنوع ارزشمندی برخوردار باشد (اهوازی و همکاران، ۱۳۹۱:۱۶۵). ناحیه رویشی زاگرس که در کشور ایران از شمال غرب تا جنوب شرق را در برمی‌گیرد وسیع‌ترین جنگل‌های کشور هستند. این ناحیه رویشی حدود یک‌سوم جمعیت انسانی کشور را شامل می‌شود و شامل اقوام و فرهنگ‌های مختلف ایرانی از جمله کرد، ترک، لر و غیره با سبقه تاریخی کهن است. استان لرستان که سکونتگاه قوم لر است یکی از مهم‌ترین مناطق زاگرس است. استان لرستان بیش از ۱/۵ میلیون هکتار جنگل و مرتع دارد و در فلور ایرانیکا بیش از ۱۲۰۰ گونه گیاهی از این استان گزارش شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸:۸۶). زندگی مردمان این استان مانند سایر مناطق زاگرس از گذشته‌های دور تا به امروز وابسته به عرصه‌های این جنگل‌ها بوده است که این وابستگی و ارتباط موجب شکل‌گیری دانش غنی گیاه مردم‌نگاری در بین مردمان این ناحیه شده است (بازگیر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۰ و ۱۸۱).

با این حال مطالعات صورت گرفته در زمینه گیاه مردم‌نگاری در ناحیه رویشی زاگرس و استان لرستان محدود بوده است و بیشتر در زمینه گیاهان دارویی انجام شده است. این در حالی است که همان‌طور که بیان شد دانش گیاه مردم‌نگاری در زمینه‌های دیگر مانند سرپناه، غذا و علوفه دام نیز اهمیت بسیار بالایی داشته و حتی موجب بقای انسان در طول تاریخ شده است (Zerabruk and Yirga, 2012: 165). با توجه به حجم زیاد گیاهان از نظر کمی و کیفی و گسترش جغرافیایی، هیچ شخص نمی‌تواند همه گیاهان یک استان یا کشور را شناسایی، جمع‌آوری و مورد مطالعه قرار دهد. اما کار مداوم در مناطق جغرافیایی کوچک‌تر می‌تواند شناخت مناسبی از این دانش و گنجینه بزرگ را برای ما و آیندگان

گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پوره‌اشمی | ۹۱

فراهم نماید (قاسمی دهکردی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۰۷). از این رو این پژوهش تلاش دارد تا با بررسی همه‌جانبه گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودرو منطقه بسطام در استان لرستان از ناحیه رویشی زاگرس بتواند گوشه‌ای از دانش گیاه مردم‌نگاری روستاییان را در زمینه‌های گوناگون نشان دهد.

مرور پیشینه‌ها

پژوهش‌های گیاه مردم‌نگاری در کشور ایران تقریباً نوظهور است و در دو دهه گذشته قوت گرفته است. بیشتر پژوهش‌های انجام شده متمرکز بر استفاده دارویی و خواص دارویی گیاهان خودرو در مناطق مختلف کشور بوده است و به دیگر جنبه‌های دانش بومی استفاده از گیاهان یا گیاه مردم‌نگاری کمتر توجه شده است. در ارتباط با گیاه مردم‌نگاری گیاهان دارویی پژوهش‌های موردی متعددی انجام شده است که در ادامه به صورت مختصر به برخی از آنها اشاره شده است.

احمدی و همکاران (۱۳۸۸) به جمع‌آوری و شناسایی گیاهان دارویی موجود در استان لرستان و استفاده‌های سنتی آنها پرداخته‌اند. در این تحقیق در مجموع ۱۵۱ گیاه دارویی شناسایی شده که مهم‌ترین خانواده‌های گیاهی شامل خانواده نعنائیان (Lamiaceae)، کاسنیان (Asteraceae) و باقلائیان (Papilionaceae) بوده است.

خدایاری و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی گیاه مردم‌نگاری گیاهان دارویی مردمان بومی مناطق شمال شرقی استان خوزستان پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که ۱۷۴ گونه گیاهی شناسایی شده است. این گونه‌ها بیشتر متعلق به خانواده‌های کاسنیان، نعنائیان و چتریان (Apiaceae) بوده که بیشترین موارد مصرف به ترتیب در زمینه رفع مشکلات گوارشی، تنفسی، سیستم ادراری و کاهش قند و چربی خون مشاهده شده است.

علی‌میرزایی و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با هدف شناسایی گیاهان دارویی مورد استفاده بهره‌برداران عشایر چهل کمان استان خراسان رضوی انجام داده‌اند. نتایج محققین

نشان داده است که در منطقه ۵۱ گونه دارویی شناسایی شده است که در اینجا نیز مانند چندین تحقیق دیگر خانواده‌های گیاهی کاسنیان و نعنائیان بیشترین فراوانی را داشته‌اند و بیشتر برای درمان بیماری‌های گوارشی مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

دلفان و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی گیاه مردم‌نگاری گیاهان دارویی در منطقه زاغه و بیرانشهر از استان لرستان پرداخته‌اند. محققین ۲۱۸ گونه دارویی از ۵۵ خانواده گیاهی را شناسایی کرده‌اند که بیشتر مربوط به خانواده‌های گیاهی کاسنیان، باقلانیان، نعنائیان، سوسنیان (Liliaceae) و گلسرخیان (Rosaceae) بودند. همچنین بیشتر خواص دارویی گیاهان مربوط به رفع مشکلات گوارشی (۳۶ درصد) و تنفسی (۱۶ درصد) بوده است.

چینسمبو^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای در کشور زامبیا به بررسی کاربرد گیاهان در درمان بیماری‌های عفونی به‌ویژه درمان بیماری‌های ایدز، سل، مالاریا و عفونت‌های پوستی اشاره کرده‌اند. در مجموع ۸۴ گونه گیاهی از ۳۸ خانواده گیاهی، عمدتاً از خانواده باقلانیان شناسایی شده است که از ریشه، برگ و پوست آنها در درمان بیماری‌ها استفاده شده است. ژیونگ^۲ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه در منطقه‌ای در جنوب غربی چین به بررسی گیاه مردم‌نگاری گیاهان دارویی پرداخته‌اند. نتایج نشان داده که در کل ۱۲۱ گونه گیاه دارویی توسط بومیان استفاده شده است. برگ گیاهان (۲۵ درصد) بیشترین استفاده را در بین اندام‌های گیاهان داشته و متداول‌ترین روش تهیه دارو به‌صورت جوشانده (۶۳ درصد) بوده است. محققین بیان می‌کنند که ارزش دارویی ۴۶ درصد گیاهان قبلاً مکتوب نشده است که این نشان از اهمیت مطالعات گیاه مردم‌نگاری در ثبت و شناخت گیاهان دارویی جدید دارد.

پژوهش‌های دیگری نیز با تأکید بر شناسایی گیاهان دارویی در مناطق مختلف کشور ایران و دیگر کشورها انجام شده است از جمله اهوازی و همکاران (۱۳۸۶) در بخش الموت قزوین، بهرامی و کمالی (۱۳۹۱) در مراتع خرابه‌سنجی شهرستان ارومیه، ذوالفقاری

1. Chinsembu
2. Xiong

و همکاران (۱۳۹۱) در منطقه ارسباران، قاسمی دهکردی و همکاران (۱۳۹۱) در شهر جندق استان اصفهان، شریفی فر و همکاران (۱۳۹۲) در ناحیه کوه جوپار استان کرمان، میردیلمی و همکاران (۱۳۹۳) در منطقه کچیک در استان گلستان، حیدری و همکاران (۱۳۹۳) در منطقه ییلاقی نمارستاق از استان مازندران، دولتخواهی و نبی پور (۱۳۹۳) در حوزه آبریز شمال شرق خلیج فارس، خالقی و همکاران (۱۳۹۴) در روستاهای جنگلی شهرستان کلیر از استان آذربایجان شرقی، ابطحی (۱۳۹۸) در شهرستان شازند از استان مرکزی، مهرنیا و حسینی (۱۳۹۹) در شهرستان الشتر از استان لرستان، پورهاشمی و پناهی (۱۳۹۹) در شهرستان نورآباد ممسنی استان فارس، کاریو^۱ و والز^۲ (۲۰۱۲) در جزایر بالئاری در دریای مدیترانه، زرابروک^۳ و یرگا^۴ (۲۰۱۸) در منطقه‌ای در غرب کشور اتیوپی و زاهو^۵ و همکاران (۲۰۲۰) در کشور چین. در این تحقیقات به شناسایی گیاهان و کاربرد دارویی آنها اشاره شده است که گیاهان بیشتر برای درمان مشکلات گوارشی، تنفسی و عفونی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تأکید پژوهش‌ها بر روی گیاهان دارویی در حالی است که گیاهان خدمات و استفاده‌های بسیار گوناگونی برای انسان‌ها داشته‌اند و دانش بومی گیاهان محدود به دانش دارویی نیست. در ادامه به برخی مطالعات که به صورت محدود و موردی در کشور ایران و برخی که در خارج از کشور انجام شده اشاره شده است.

از کیا و یوسفی (۱۳۸۳) به بررسی دانش بومی استفاده از بلوط در شهرستان ممسنی پرداخته‌اند، در این پژوهش نشان می‌دهند که از بلوط استفاده‌های مختلفی می‌شود از جمله: استفاده غذایی برای انسان، خوراک دام، استفاده دارویی، آرایشی و بهداشتی، ساخت ابزار، استفاده زیست‌محیطی، دباغی و رنگرزی.

-
1. Carrio
 2. Valles
 3. Zerabruk
 4. Yirga
 5. Zhao

فرهادی (۱۳۸۵) به گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی کمره در شهرستان خمین پرداخته است. در این تحقیق حدود ۱۲۰ گونه گیاهی توسط افراد بومی شناسایی شده است که خواص و کاربردهای متفاوتی از جمله برای تهیه دارو، غذا، علوفه، ابزار، صنایع دستی و غیره داشته‌اند.

مهدوی و همکاران (۱۳۸۷) ۱۶ محصول اصلی غیرچوبی را در شهرستان کامیاران استان کردستان شناسایی می‌کند، از جمله این محصولات شیرۀ سقز، میوه زالزالک، میوه بنه، بادام، سماق، میوه بلوط، عناب، آلوچه، گلابی وحشی، برگ بلوط، برگ بنه، گلبرگ نسترن، گزو، سنجد، میوه و گلبرگ نسترن است.

فروزه و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی گیاه مردم‌نگاری گیاهان دارویی و خوراکی مرتع دیلگان در استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته‌اند. در این تحقیق ۶۰ گونه گیاهی شناسایی شده است. محققان همچنین اشاره دارند که دانش بومی جامعه مورد مطالعه منحصر به خواص دارویی و خوراکی گیاهان نیست و دانش آنها در ارتباط با گیاهان بسیار وسیع‌تر است.

کیاسی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به گیاه مردم‌نگاری مرتع خوش بیلاق استان گلستان پرداخته‌اند. در این تحقیق علاوه بر خواص دارویی گیاهان، استفاده خوراکی آنها نیز مدنظر بوده است به شکلی که نتایج نشان داده است که از ۳۰ گونه شناسایی شده، ۱۷ گونه استفاده خوراکی-دارویی، ۱۰ گونه استفاده دارویی و سه گونه کاربرد دارویی و صنعتی داشته‌اند. نتایج همچنین نشان داده است که اطلاع‌رسانان نام محلی گیاهان را منطبق با خصوصیات ریخت‌شناسی و نیاز بوم‌شناسی گیاه برگزیده‌اند و اطلاعات جامعی در مورد گیاهان داشتند.

زمد و مفسین^۱ (۲۰۰۱) در تحقیقی در کشور اتیوپی به بررسی استفاده از گیاهان خودرو خودرو پرداخته‌اند که نتایج آنها نشان داده است که ۲۰۳ گونه گیاهی توسط جوامع محلی مورد شناسایی و استفاده قرار گرفته است. گیاهان شناسایی شده شامل ۳۷ درصد گیاهان

1. Zemed and Mesfin

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۹۵

علفی، ۳۲ درصد درختچه‌ها و ۳۱ درصد درختان بودند که برای اهداف خوراکی، دارویی، علوفه‌ای، ابزار و غیره مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

شین^۱ و همکاران (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای در ایالتی در کشور میانمار ۸۳ گونه از ۴۴ خانواده گیاهی به‌عنوان WEP شناسایی کرده‌اند. بیشتر گونه‌ها به‌عنوان سبزیجات وحشی (۴۷ گونه)، میوه و آجیل (۳۱ گونه) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین ۱۸ گونه علاوه بر استفاده خوراکی به‌عنوان غذاهای دارویی مصرف داشته‌اند.

کاتامبی^۲ و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی گیاه مردم‌نگاری جوامع روستای در منطقه‌ای در کشور کنیا پرداخته‌اند. در این پژوهش در مجموع ۲۱۴ گونه گیاهی متعلق به ۷۳ خانواده گیاهی شناسایی شده است. که خانواده گیاهی باقلانیان، نعنائیان و فریونیان^۳ مهم‌ترین خانواده‌های گیاهی بوده‌اند. موارد مصرف گیاهان به‌عنوان گیاهان دارویی، خوراکی، علوفه‌ای، ساخت‌وساز، سوخت، سموم دفع آفات، اعتقادی و ساخت صنایع دستی گزارش شده است.

وانگ^۴ و همکاران (۲۰۲۰) مطالعه گیاه مردم‌نگاری در رابطه با گیاهان خوراکی و دارویی در منطقه‌ای از کشور چین انجام داده‌اند. نتایج این تحقیق نشان داده که در مجموع، ۱۰۵ گونه گیاهی ثبت شده است. خانواده گل‌سرخیان بیشترین تعداد گونه (۱۴ گونه) را داشته و گیاهان علفی (۵۸ گونه) شکل غالب رویشی گیاهان بوده است. میوه (۳۴ گونه)، ریشه (۲۱ گونه) و شاخه (۲۰ گونه) قسمت‌های اصلی گیاهان برای طبخ غذا بودند.

همچنین رضوی (۱۳۹۴) در استان خوزستان، بازگیر و همکاران (۱۳۹۴) در استان لرستان؛ حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در استان خراسان رضوی، ماتینز^۵ و همکاران (۲۰۱۲) در کشور برزیل، موته^۶ و همکاران (۲۰۱۹) در کشور آفریقای جنوبی و موتی^۱ همکاران

-
1. Shin
 2. Kathambi
 3. Euphorbiaceae
 4. Wang
 5. Martins
 6. Moteetee

(۲۰۲۰) در کشور ایتالیا نمونه‌هایی از پژوهش‌های گیاه مردم‌نگاری هستند که دانش و استفاده از گیاهان را از جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر نیز تلاش شده است که به شکل همه‌جانبه به گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودرو پرداخته شود.

منطقه مطالعه

این مقاله بخشی از یک پژوهش گسترده‌تر در سطح استان لرستان با عنوان "شناسایی دانش بومی روستایان جنگل‌های زاگرس در زمینه منابع گیاهی (مطالعه موردی: استان لرستان)" است که برای تعیین سامان‌های عرفی^۲ شاخص برای انجام آن، معیارهای شناخت محقق از جوامع محلی، تنوع گیاهی منطقه، وابستگی به منابع طبیعی و گوناگونی دانش بومی آنها همراه با سطح همکاری جوامع محلی برای همکاری با تحقیق، ملاک تعیین سامان‌های عرفی شاخص بوده است. به این منظور محققین ابتدا از منطقه جنگلی بسطام و روستاهای آن بازدید میدانی کاملی به عمل آوردند و با چندین نفر از روستاییان مصاحبه‌های اولیه‌ای انجام دادند. در مصاحبه‌های اولیه مشخص شد که اغلب دامداران روستاهای چشمه بید و چشمه صالح در فصل بهار به ارتفاعات سفیدکوه که منطقه‌ای حفاظت شده با تنوع گیاهی قابل ملاحظه است کوچ می‌کنند، درحالی‌که دامداران روستاهای دیگر در دامنه‌های میانی (منطقه گهواره) و به شکل محدود کوچ بهاره دارند. همچنین این روستاها به دلیل وابستگی زیاد به شغل دامداری نسبت به روستاهای دیگر منطقه (مانند سراب سقاء و دارماهی) وابستگی بیشتری به منابع طبیعی داشتند. در نهایت پس از مشورت با برخی کارشناسان اداره منابع طبیعی و آبخیزداری و نیز کارشناسان مؤسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان سامان عرفی دو روستای چشمه بید و چشمه صالح از منطقه بسطام در دهستان هُنام از شهرستان سلسله، استان لرستان به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شده است.

1. Motti

۲- منظور از سامان عرفی در اینجا محدوده‌ای جغرافیایی با حدود مشخص است که معمولاً برای اسکان، دامداری و چرای دام به صورت مشترک توسط روستاییان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

سامان عرفی دو روستای چشمه بید و چشمه صالح که برای هر دو روستا مشترک است در طول جغرافیایی ۳۷۲۲۲۸۰ تا ۳۷۳۱۸۷۲ و عرض جغرافیایی ۲۲۹۴۵۷ تا ۲۴۶۵۵۴ قرار دارد و در فاصله ۳۵ کیلومتری جنوب شهرستان سلسله قرار داد. عمده مساحت سامان عرفی مورد مطالعه را اراضی جنگلی و جنگل با زراعت زیراشکوب در برمی گیرد و گونه درختی غالب منطقه را درختان بلوط ایرانی تشکیل می دهند. سامان عرفی چشمه بید و چشمه صالح مساحتی برابر با ۶۷۱۲ هکتار دارد. بخش جنوبی سامان عرفی در منطقه حفاظت شده سفیدکوه قرار می گیرد. سفیدکوه از مناطق حفاظت شده سازمان حفاظت محیط زیست است.

روستایان دامدار در اواسط بهار دام های خود را به مدت دو تا سه ماه به دامنه سفیدکوه که هوای خنک تر و گیاه و علف تازه و متنوع تری دارد کوچ می دهند و در آنجا ساکن می شوند. حداکثر ارتفاع از سطح دریا در سامان عرفی ۲۱۰۰ متر و حداقل آن ۱۴۰۰ متر می باشد. همچنین روستاهای سامان عرفی (چشمه بید و چشمه صالح) در ارتفاع ۱۴۰۰ متر از سطح دریا و تقریباً در قسمت مرکزی سامان عرفی قرار گرفته اند. برای تعیین اقلیم و آب و هوای منطقه، نزدیک ترین ایستگاه هواشناسی به منطقه مورد نظر با آمار بلندمدت ایستگاه هواشناسی شهرستان سلسله است که در ارتفاع ۱۵۶۷ متر از سطح دریا واقع شده است. میزان بارندگی سالانه در این ایستگاه ۴۴۴/۱ میلی متر و متوسط سالیانه دما ۱۲/۹ درجه است. بر اساس تحلیل خوشه ای نوع اقلیم منطقه نیمه مرطوب با تابستان معتدل و زمستان بسیار سرد است (رضایی بنفشه و کاکولوند، ۱۳۹۳: ۴۷).

جامعه انسانی مورد مطالعه در این تحقیق ساکنین روستاهای چشمه بید و چشمه صالح است. طبق نتایج سرشماری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت دو روستای مورد مطالعه ۱۳۷ نفر در قالب ۳۱ خانوار بوده است. ساکنین این دو روستا همگی از یک قوم (طایفه بسطام از ایل حسونند) هستند و به زبان لکی^۱ تکلم می کنند. این دو روستا در گذشته یک

۱- زبان لکی از زبان های ایرانی شاخه شمالی غربی رایج در غرب ایران است.

روستا بوده‌اند ولی در چند دهه گذشته به علت مکان نامناسب روستای چشمه صالح و نیز اختلافاتی که داشته‌اند به دو روستا تقسیم شده‌اند. منبع اصلی تأمین معیشت روستاییان دامداری است. همچنین کشاورزی به شکل محدود و دیم با محصولاتی از جمله گندم و جو انجام می‌شود. این محصولات در اوایل پاییز به وسیله تراکتور و حتی چهارپایان کشت می‌شوند و در اواخر تابستان برداشت می‌شوند (شکل ۱). محصولات کشاورزی بیشتر به عنوان علوفه دام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند و کمتر به فروش می‌رسند. همچنین روستاییان هر ساله به منظور تأمین علوفه مصرفی دام‌ها اقدام به خرید علوفه (کاه، یونجه، گندم و جو) می‌کنند که هزینه مورد نیاز آن به طور معمول از فروش دام‌ها در فصل بهار تأمین می‌گردد.

دام‌های روستاییان اغلب گوسفند لری^۱ و بز است که هر خانوار به طور متوسط بین ۱۵۰-۲۰۰ رأس دام نگهداری می‌کند. ترکیب گله‌ها به گونه‌ای است که به طور معمول تعداد گوسفندان از تعداد بزها بیشتر است. همچنین برخی روستاییان در کنار دام‌های سبک تعداد محدودی (یک تا چند رأس) گاو برای تأمین لبنیات خانوار و نیز فروش محصولات لبنی آن نگهداری می‌کنند که زحمت اصلی پرورش و نگهداری آنها بر عهده زنان خانواده است. به طور کلی می‌توان بیان کرد که دامداری از نظر اقتصادی تأمین کننده معاش خانوارها است ولی در صورت قیمت مناسب دام زنده و نیز قیمت پایین علوفه و همچنین مناسب بودن علوفه جنگل و مراتع، دامداران می‌توانند بخشی از درآمد آن را نیز پس‌انداز و سرمایه گذاری کنند.

۱- گوسفندی است با دنبه بزرگ که به نژاد لری معروف است و در سرتاسر زاگرس (به جز کردستان) تا فارس وجود دارد.



عکس ۱- نگارنده در حال شخم‌زنی به وسیله چهارپایان در روستاهای مورد مطالعه

روش تحقیق

به منظور جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش از روش تحقیق مردم‌نگاری استفاده شده است. بنا بر روش تحقیق برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق از مشاهده مستقیم و مشاهده همراه با مشارکت و نیز مصاحبه استفاده شده است. مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختاریافته و با روش نمونه‌برداری گلوله برفی انجام شده است. مصاحبه به این صورت بوده است که محورهای اصلی سؤال‌ها به صورت چک لیستی بر روی کاغذی نوشته می‌شد و از مصاحبه‌شوندگان منتخب مورد پرسش قرار می‌گرفت. مصاحبه‌شوندگان منتخب افراد مطلع شناخته شده در زمینه اطلاعات مورد نیاز تحقیق، افراد مسن و چوپانان بوده‌اند. در مجموع ۳۴ اطلاع‌رسان در قالب ۲۲ مصاحبه با متوسط یک ساعت و ۱۵ دقیقه برای هر مصاحبه در این تحقیق شرکت کرده‌اند. ۱۵ مصاحبه به شکل گروهی و هفت مصاحبه به شکل فردی انجام شده است. اطلاع‌رسانان پنج نفر زن و ۲۹ نفر مرد، با سن ۱۲-۷۱ سال و متوسط سن ۳۶ سال بوده‌اند. قابل ذکر است که با توجه به عدم آشنایی کافی محققین با زبان لکی که زبان

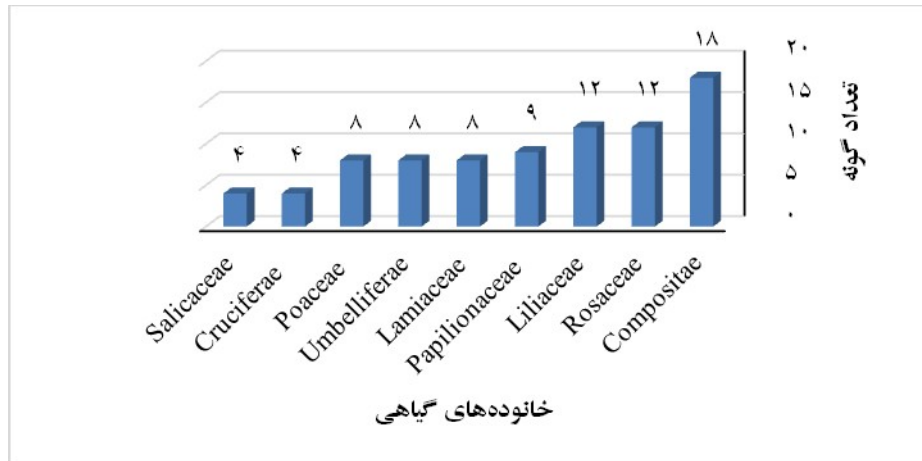
مردمان روستاهای مورد مطالعه است، قبل از انجام مصاحبه‌ها حدود ۲۰ روز زمان صرف شده است تا با زبان لکی آشنایی اولیه حاصل گردد. این کار از طریق مطالعه مطالب و نوشته‌های لکی و نیز مکالمه با افراد لک زبان صورت پذیرفت.

در مرحله بعد برای شناسایی گیاهان که توسط اطلاع‌رسانان نام محلی آنها بیان شده بود با مراجعه به عرصه‌های طبیعی همراه با افراد محلی به ویژه چوپانان و نیز کوچ با روستاییان به ارتفاعات سامان عرفی (ارتفاعات سفیدکوه) در فصل بهار اقدام به جمع‌آوری نمونه‌های گیاهی و عکس‌برداری از آنها به منظور شناسایی علمی گیاهان شده است، همچنین در عرصه گیاهان جدید توسط افراد بیان شد که اطلاعات آن نیز ثبت و تکمیل گردید. در نهایت پس از جمع‌آوری نمونه‌های گیاهی با استفاده از منابع معتبر گیاه‌شناسی از جمله اسدی و همکاران (۱۳۶۸-۱۳۹۸)، مظفریان (۱۳۸۸)، مظفریان (۱۳۹۱) و مظفریان (۱۳۹۲) و با کمک گرفتن از متخصصین گیاه‌شناس^۱ در مؤسسه تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان لرستان گیاهان مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.

نتایج

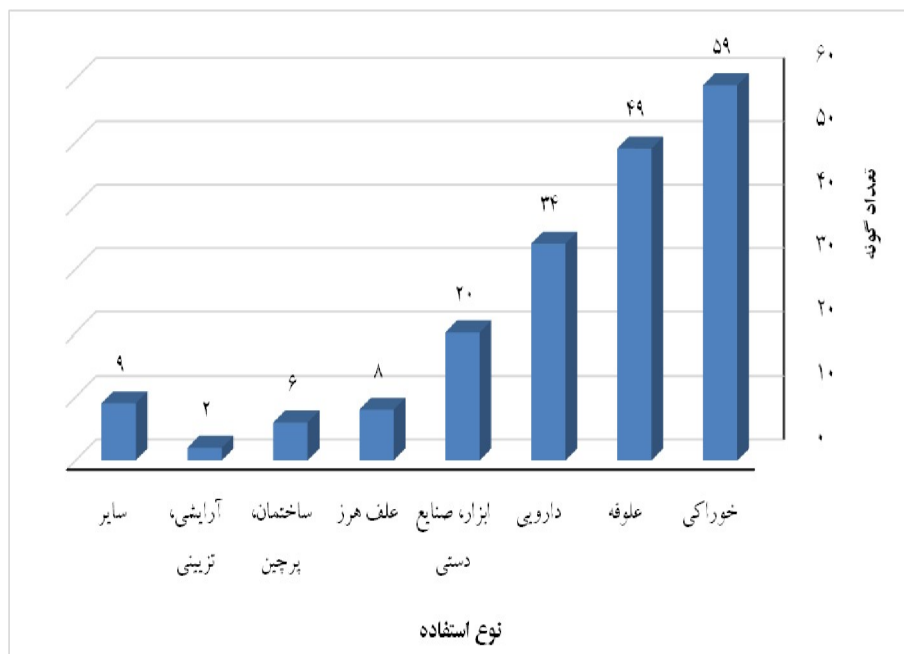
در این پژوهش ۱۲۵ گونه گیاهی متعلق به ۴۱ خانواده گیاهی توسط روستاییان مورد شناسایی قرار گرفته است (جدول ۱). خانواده‌های گیاهی کاسنیان (Compositae) با ۱۴/۴ درصد، گلسرخیان (Rosaceae) با ۹/۶ درصد و سوسنیان (Liliaceae) با ۹/۶ درصد بیشترین فراوانی را در بین خانواده‌های گیاهی داشته‌اند. نام و تعداد گونه‌های متعلق به خانواده‌های گیاهی دارای بیشترین گونه در منطقه مورد مطالعه در شکل ۲ آمده است. فرم رویش گیاهان شناسایی شده ۷۴/۴ درصد علفی، ۱۸/۴ درصد درختی و ۷/۲ درصد درختچه‌ای بودند.

۱- گیاهان با کمک جناب آقای دکتر غلام‌حسین ویسکرمی (رشته تخصصی زیست‌شناسی - بیوسستماتیک گیاهی) مورد شناسایی قرار گرفته‌اند.



عکس ۲- خانواده های گیاهی دارای بیشترین تعداد گونه در منطقه مورد مطالعه

نتایج بیانگر این بود که دانش روستاییان در ارتباط با گیاهان بسیار متنوع است، آن‌ها دانش لازم از خواص گیاهان برای استفاده برای موارد مختلف را داشتند و از گیاهان برای مواردی از جمله خوراک (غذا)، دارو، علوفه، ساختمان، ابزار، صنایع دستی، لوازم آرایشی، تزئینی، فصل‌شناسی (گل یا برگ کردن برخی گیاهان را نشانه آمدن یک فصل می‌دانند)، اعتقادی (استفاده از برخی گیاهان به عنوان چشم‌زخم) و غیره (سوخ، زنبورداری و رنگرزی) استفاده داشتند. همچنین گیاهانی بودند که روستاییان نام آنها را می‌دانستند ولی آنها را به عنوان علف هرز می‌شناختند یا استفاده‌ای از آنها نداشتند. فراوانی استفاده از گیاهان برای موارد مختلف استفاده در شکل ۳ آمده است، قابل ذکر است که از برخی گیاهان چندین استفاده داشته‌اند.



عکس ۳- فراوانی انواع استفاده از گیاهان در منطقه مورد مطالعه

علاوه بر دانش کاربرد و خواص گیاهان، آن‌ها از دانش چگونگی استفاده از گیاهان، اندام مورد استفاده گیاهان، فصل رویش آنها و فصل مناسب برداشت گیاهان نیز بهره‌مند بودند و برای هر کدام از گیاهان نام محلی داشتند. گیاهان علفی بیشتر در فصل بهار رویش داشتند به همین دلیل در این فصل بیشتر مورد استفاده و برداشت قرار می‌گرفتند؛ همچنین میوه درختان و درختچه‌ها بیشتر در فصل تابستان و پاییز مورد برداشت و استفاده قرار می‌گرفت. در ادامه تلاش شده است به گیاه مردم‌نگاری مهم گیاهان شناسایی شده در منطقه و گیاهانی که دانش بومی پیرامون آنها گسترده‌تر بوده است پرداخته شود که شامل ۴۴ گونه گیاهی می‌شود.

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۰۳

ارژن یا "ارجن"^۱: نام محلی دیگر این درختچه "ارچن"^۲ می‌باشد که میوه آن "چقاله"^۳ یا "لته"^۴ است. این گونه درختچه‌ای در ارتفاعات میانی و بالایی سامان عرفی (بیلاق) رویش دارد و از گونه‌های است که چوب و میوه آن استفاده می‌شود. میوه ارژن (لته) در دو زمان مورد استفاده قرار می‌گیرد، یک زمان در ماه‌های فروردین و اردیبهشت است که در این زمان میوه نارس است و پوسته آن سفت و استخوانی نشده است و پس از جدا کردن هسته تلخ‌مزه آن، پوسته آن به‌صورت خام و معمولاً همراه با نمک مصرف می‌شود، عمده شکل مصرف میوه ارژن به همین صورت است. زمان دیگر استفاده که بسیار نادر است در فصل تابستان می‌باشد که پوسته میوه سفت شده و غیرقابل مصرف است، در این زمان هسته میوه پس از شکستن پوسته آن استخراج و پس از شیرین‌سازی مورد مصرف قرار می‌گیرد.

فرآیند شیرین‌سازی را در اصطلاح "خشه"^۵ کردن می‌گویند. خشه کردن در واقع روشی است که از طریق آن تلخی میوه از بین رفته و قدری نرم‌تر می‌شود. روش کار به این صورت است که مغز یا دانه‌های میوه را در قابلمه‌ای از آب می‌ریزند و مقداری نمک بدان اضافه می‌کنند تا همراه با آنها در حدود ۳۰-۴۵ دقیقه پخته شود، سپس آب آنها را عوض کرده و دو مرتبه نمک اضافه می‌کنند تا بادام‌ها باز به همان اندازه پخته شوند، این کار اغلب ۵-۷ مرتبه به همین شکل تکرار می‌شود تا میوه خوش‌طعم‌تر و نرم‌تر شود.

استفاده دیگر از این درخت استفاده از چوب آن است که به خوش‌فرمی و به‌خصوص سختی و محکمی شهره است. از چوب این درخت در موارد مختلفی مانند دسته ابزار و به‌ویژه ساخت عصا و چوب‌دست چوپان استفاده می‌شود. از درختان ارژن همچنین صمغی به‌صورت خودبه‌خود خارج می‌شود که در اصطلاح محلی "زویی"^۶ نامیده می‌شود، از

-
1. arjen
 2. arčen
 3. čqālah
 4. latah
 5. xaša
 6. žowei

ژوئی که در فصل تابستان به راحتی و با دست برداشت می‌شود در گذشته برای شست و شوی و تقویت موی سر استفاده می‌شده است. نحوه استفاده از ژوئی به این صورت بوده است که آن را به وسیله هاونگک پودر می‌کردند و از پودر آن که همانند شامپو نیز کف داشته است برای شست و شوی موی سر و حتی در مواردی برای شستن لباس‌ها استفاده شده است.

آنشک یا "آنش"^۱: این گیاه علفی در فصل بهار در ارتفاعات سفیدکوه رویش دارد. بو و طعم آنشک خاص و قدری تند است و به عنوان سبزی تازه همراه با صرف غذا در فصل بهار مصرف می‌شود. برگ این گیاه که شکلی سه‌نیش و باریک دارد در فصل بهار برداشت می‌شود. همچنین برخی از افراد اقدام و جمع‌آوری و فروش این گیاه در بازار می‌کنند که قیمت نسبتاً بالایی در بازار دارد.

آنجیر یا "آنجیر کوی"^۲: شکل ظاهری برگ‌ها و میوه این گونه متفاوت از آنجیرهای باغ‌ها است به همین دلیل به آن آنجیر کوی (به معنی کوهی یا وحشی) گفته می‌شود. آنجیر در ارتفاعات پایین سامان عرفی و معمولاً بر روی تخته‌سنگ‌ها رویش دارد. استفاده از آنجیر شامل استفاده از میوه، چوب و صمغ (شیره) با اهداف خوراکی، دارویی و صنایع دستی است. از میوه آنجیر که فصل تابستان برداشت می‌شود به عنوان میوه خوراکی و به شکل خام استفاده می‌شود، همچنین روستاییان از خواص ملین‌کننده آنجیر آگاهی دارند. چوب آنجیر برای ساخت دست‌های مشک دوغ‌زنی^۳ یا در اصطلاح محلی "مشک"^۴ استفاده می‌شود. استفاده از چوب درخت آنجیر و دیگر درختان مثمر برای ساخت دسته مشک به این دلیل است که اعتقاد دارند که استفاده از چوب این درختان سبب خیروبرکت بیشتر مشک دوغ می‌شود. از دیگر استفاده‌های درخت آنجیر استفاده از شیره آن برای از

1. aneš

2. anjirkoej

۳- یک از اجزای دسته‌های مشک دوغی زنی «نوم نیرک» (nūmnirek) است که برای ساخت آن از چوب آنجیر و دیگر درختان مثمر استفاده می‌شود.

4. maškah

بین بردن زگیل است که چند قطره از آن بسته به بزرگی زگیل یک یا چند مرتبه به محل زگیل زده می‌شود تا اثر کند، قابل ذکر است که استفاده از شیره انجیر باعث سوزش در محل استعمال نیز می‌شود. همچنین از شیره انجیر برای تهیه مایه ماست استفاده می‌شود. مایه ماست که در اصطلاح محلی "گلما" نامیده می‌شود زمانی به این روش تهیه می‌شود که ماست در دسترس نباشد. روش تهیه به این صورت است که مقداری شیر در لیوان یا کاسه‌ای ریخته می‌شود و حدود ۱۰-۲۰ قطره صمغ درخت که از شاخه شکسته یا میوه چیده شده آن استخراج شده است به آن شیر اضافه می‌شود، پس از گذشت حدود یک ساعت شیر تبدیل به مایه ماست می‌شود و می‌توان از آن به‌عنوان مایه ماست برای تبدیل شیر به ماست استفاده کرد.

اسفند یا "آسین": این گیاه علفی به‌طور معمول در مکان‌های کم ارتفاع و در کنار مزارع یا پرچین‌های متروکه می‌روید. از بذره‌های گیاه اسفند به‌عنوان چشم‌زخم و ضد عفونی کننده محیط استفاده می‌شود. زمان گل‌دهی این گیاه فصل بهار است و در فصل تابستان گل‌های این گیاه به بذر تبدیل می‌شوند. این بذرها برداشت می‌شوند و آنها را بر روی زغال می‌ریزند تا دود کند، چرا که اعتقاد دارند دود این گیاه دورکننده چشم بد است و از طرفی خاصیت ضد عفونی کردن هوا و محیط را دارد. قابل ذکر است که در مواردی از بذره‌های این گیاه که درون پوشش سفیدرنگی قرار دارند برای ساخت تابلوهای تزئینی استفاده می‌شود که هم نقش چشم‌زخم را دارند و هم اینکه جلوه زیبایی دارند.

اوجا یا "وزم": تعداد محدودی از پایه‌های این گونه درختی در ارتفاعات میانی سامان عرفی وجود دارد. خرد چوب (خاک اره) این گونه به همراه دُبه گوسفند برای درمان استخوانی که در اثر شکستگی به‌صورت موردنظر مداوا نشده و کج شده است استفاده می‌شود. روش استفاده به این شکل است که داروی تهیه شده که در واقع مخلوط

خاک اره و دنبه گوسفند است و در اصطلاح محلی به آن "وزم و دُمه" گفته می‌شود، به شکل ضماد به محل شکستگی استخوانی کج مداوا شده زده می‌شود و با پارچه‌ای بسته می‌شود و به مدت تقریبی چند روز تا یک هفته به همان شکل نگهداری می‌شود. در اثر این کار استخوان در محل شکستگی نرم شده و از هم جدا می‌شود و می‌توان آن را دو مرتبه شکسته‌بندی کرد تا به‌طور صحیح مداوا شود. روش دیگر استفاده از چوب اوجا این گونه بیا نشده است که شاخه‌های نازک و جوان این درخت با آب جوشانده می‌شوند تا شیرابه غلیظی از آن تهیه شود، سپس دنبه گوسفند نیز حرارت داده می‌شود تا به مایع تبدیل شود و با جوشانده چوب نارون مخلوط می‌شود و همانند مورد قبل به محل موردنظر زده می‌شود تا مداوا شود.

آوندول یا "پنومه"^۲: گیاهی علفی است که در مناطق میان‌بند و مرتفع سامان عرفی و بیشتر در مناطق پرشیب و سنگلاخی رویش دارد. ساقه این گیاه که در اوایل رویش نرم و آبدار است در فروردین‌ماه به‌وسیله دست یا چاغو برداشت شده و پوست آن کنده می‌شود و به‌صورت خام به‌عنوان سبزی خوراکی مصرف می‌شود. قابل‌ذکر است که اگر از زمان برداشت این گیاه بگذرد ساقه آن سفت و توخالی می‌شود که دیگر قابل‌مصرف نیست و بیشتر دام‌ها از آن استفاده می‌کنند. برخی افراد نیز ریشه آن را که همانند سیب‌زمینی کوچکی در فاصله حدود ۲۰ سانتی‌متری از سطح خاک است را در اواخر بهار از زمین خارج می‌کنند و در زیر زغال و خاکستر قرار می‌دهند تا پخته شود و مصرف می‌کنند.

بادام بی‌برگ یا "وایم"^۳: این گونه درختچه‌ای در ارتفاعاتی پایین تا میانی سامان عرفی و در مناطق سنگلاخی و آفتاب‌گیر رویش دارد. دانش و استفاده از این گونه شامل استفاده از میوه و سرشاخه‌های آن با هدف غذایی، دارویی، ساخت صنایع دستی و دامداری است. میوه این گونه که فصل رسیدن آن اوایل تیرماه تا اواخر مردادماه است در اصطلاح

1. vezmodoma
2. penūma
3. bām

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۰۷

محلی "چنجَه" نامیده می‌شود. چنجَه در زبان محلی به معنای تُخمه می‌باشد و دلیل نام‌گذاری میوه بادام بی‌برگ نیز به همین علت است که شبیه به تخمه است، این میوه تلخ‌مزه بوده و برای مصرف خوراکی آن باید شیرین یا در اصطلاح "خَشَه" شود، خَشَه کردن در واقع روشی است که از طریق آن تلخی میوه از بین رفته و قدری نرم‌تر می‌شود. روش کار به این صورت است که دانه‌های بادام را در قابلمه‌ای از آب می‌ریزند و مقداری نمک بدان اضافه می‌کنند تا همراه با آنها در حدود ۳۰-۴۵ دقیقه پخته شود، سپس آب آنها را عوض کرده و دو مرتبه نمک اضافه می‌کنند تا بادام‌ها باز به همان اندازه پخته شوند، این کار اغلب هفت مرتبه به همین شکل تکرار می‌شود تا میوه بادام خوش‌طعم‌تر و نرم‌تر شود. مواردی نیز وجود دارد که میوه درخت بادام به صورت تلخ و بیشتر به منظور خاصیت دارویی برای درمان قند خون، چربی خون و ناراحتی‌های قلبی استفاده می‌شود. مصرف آن به این شکل است که معمولاً چند عدد از آن در روز و به صورت تازه و خام مصرف می‌شود.

استفاده از سرشاخه درخت بادام بی‌برگ که در فصول مختلف سال برداشت می‌شود به چند منظور از جمله ساخت سبد، جاروی دستی و به عنوان پوشش زیر پای بزغاله‌ها و بره‌ها استفاده می‌شود. سبدهای بافته شده از سرشاخه‌ها چند نوع و برای استفاده‌های مختلف هستند. یک نوع از سبدها که توسط زنان و با دست بافته می‌شود "دُرَج" یا "رُک" نامیده می‌شود. دُرَج در واقع دست‌ساخته‌ای از زنان روستایی به شکل استوانه‌ای نامنظم از شاخه‌های باریک درختان بادام بی‌برگ یا بید موسوم به «سَلت»^۵ است، که برای نگهداری و محل تخم‌گذاری ماکیان در فصول بهار و تابستان و در فصول سرد در مکان‌های بادامی مناسب مورد استفاده قرار می‌گیرد.

-
1. čenja
 2. xaša
 3. dorč
 4. rok
 5. šalt

برای ساختن این گونه دست‌ساخته‌ها از شاخه درختان بادام بی‌برگ به علت دوام و قوام بیشترشان نسبت به بید بیشتر استفاده می‌شود، به اعتقاد روستاییان اگر این شاخه‌ها پس از بارش باران‌های پاییزی برداشت شوند بهتر است چون برای ساختن دُرچ این شاخه‌ها باید به‌هم‌بافته شوند بنابراین اگر مرطوب‌تر و نرم‌تر باشند کار با آن‌ها راحت‌تر است؛ البته در صورت برداشت آن‌ها در فصل‌های دیگر یا خشک بودن شاخ‌ها، با خوابانیدن آن‌ها در آب قابل نرم شدن هستند. شاخه‌های بادام اکثراً بلندی بین ۵۰-۱۰۰ سانتی‌متر دارند. در هنگام بافتن دُرچ یک طرف آن بسته می‌شود و یک طرف آن به‌عنوان درب باز گذاشته می‌شود. دُرچ‌ها در اندازه‌های مختلفی ساخته می‌شود ولی طول تقریبی اکثر آن‌ها ۱۰۰ سانتی‌متر و قطر آن‌ها در وسط حدود ۵۰ سانتی‌متر است که در قسمت انتهایی قطر آن به صفر می‌رسد. نوعی دیگر از سبد بافته شده به‌وسیله شاخه بادام "تیزه" است. تیزه در واقع آبکشی است به شکل دایره با اندکی فرورفتگی در مرکز آن با اندازه قطر حدود ۵۵ سانتی‌متر به شکل دایره که به‌وسیله زنان ساخته می‌شود.

از تیزه برای آبکش کردن مواد غذایی مانند برنج استفاده می‌شود، بر روی تیزه کشک و کشکینه هم خشک می‌کنند، همچنین در مواردی از آن به‌عنوان سفره‌ای یک نفره نیز استفاده می‌کنند. "سله"^۲ دیگر وسیله ساخته شده به‌وسیله شاخه‌های بادام است. مواد ساخت و چگونگی ساختن سله تفاوتی با دُرچ و تیزه ندارد ولی ابعاد و کاربرد و شکل ظاهری آن متفاوت است. سله شکلی شبیه به تشت لباسشویی دارد، که بسته به اندازه آن، دربی نیز برای آن ساخته می‌شود. سله در ارتفاعات متفاوتی ساخته می‌شود ولی به‌طور کلی بلندی آن حدود ۵۰ سانتی‌متر است و قطر دهانه آن از ۵۰ سانتی‌متر کمتر نمی‌باشد. کاربرد سله در نگهداری آرد بلوط^۳، مرغ گُرچ شده، نگهداری ظروف خانگی، بره‌ها و بزغاله‌های تازه متولدشده، برای شستن گندم، جو، پَر مرغ و غیره است. قابل ذکر است به سله‌های

1. teyža
2. sala

۳- برای اطلاع از چگونگی استفاده از آن به قسمت "استفاده‌های غذایی از بلوط" رجوع شود.

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۰۹

کوچک که برای آنها دسته‌ای با شاخه‌های بادام نیز ساخته می‌شود در اصطلاح محلی "سلیته"^۱ گفته می‌شود.

استفاده یا دانش بومی دیگر استفاده از درخت بادام استفاده از دود سرشاخه‌های سوخته شده آن در ساخت مشک دوغ است، دود دادن به این صورت است که مشک ساخته شده را در بالای آتش تهیه شده با بادام به مدت ۱۰-۱۵ دقیقه قرار می‌دهند به شکلی که درون و بیرون آن به‌طور کامل دود داده شود. دود دادن مشک از نظر روستاییان سبب قوام بیشتر مشک و نیز ثابت شده رنگ آن می‌شود. استفاده دیگر از شاخه‌های بادام همان‌طور که اشاره شد استفاده از آنها برای زیر پای بزغاله‌ها و بره‌ها است تا زیر پای آنها تمیزتر بماند و محل نگهداری آنها در اثر دفع ادرار و مدفوع کثیف نشود و موجب مریضی بزغاله‌ها یا بره‌ها شود. استفاده از شاخه‌های بادام به این منظور است که شاخ‌های بادام صاف و بلند هستند و به‌خوبی زیر پای دام‌ها قرار می‌گیرند و از طرف دیگر اعتقاد دارند که این شاخه‌ها تلخ به دلیل تلخ‌مزه بودن دورکننده مریضی دام نیز هستند.

بادرنجوبه دناپی یا "سیمسا"^۲: این گیاه در منطقه مطالعه رویش ندارد بلکه در ارتفاعات بالای کوه‌های گرین^۳ می‌روید. باین حال مردم منطقه این گیاه را به‌خوبی می‌شناسند و برخی به کوه گرین برای برداشت این گیاه می‌روند. این گیاه بسیار خوش عطر است و زمان رویش آن تا پایان گلدهی، اواسط خرداد تا اواسط مرداد است. برگ و گل تازه و خشک شده این گیاه به‌عنوان ادویه‌ای با ارزش و خوش عطر در طبخ غذاها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در ارتباط با جایگاه ویژه این گیاه و البته دو گیاه دیگر در بین روستاییان شعری وجود دارد که بیان می‌کند: "بچم گرین اره سه چی خاص، سیمسا و مفراح و چویر بوخاص" که به این معنی است که به کوه گرین سفر کنم برای سه گیاه خاص به نام‌های سیمسا (بادرنجوبه دناپی)، مفراح و چویر که عطر و بوی خوشی دارند.

1. salitah

2. semsā

۳- گرین نام رشته کوهی مرتفع در شمال شهرستان سلسله و مابین سه شهرستان سلسله، بروجرد و دلفان است. این منطقه چندین سال است از طرف سازمان حفاظت محیط‌زیست به‌عنوان منطقه شکار و صید ممنوع اعلام شده است.

بذرا**بنج** یا "**بنگه لوله**"^۱: بنگ (یا ماده مخدر حشیش) در نام محلی این گونه واژه به کاررفته است که نشان از تأثیر نشئه کننده و روان گردان بودن آن دارد. این گیاه علفی در فصل بهار در ارتفاعات پایین سامان عرفی و در کنار خرابه‌ها و دره‌ها و اطراف تپه‌ها و مزارع می‌روید خوردن دانه‌های آن باعث نشئه شدن می‌گردد. مصرف برگ و دانه‌های آن خاصیت روان کننده دارد و با توجه به علم روستاییان به این مورد، کمتر کسی از آن مصرف دارد، چرا که در بین آنها سابقه مصرف و روان گردان بودن وجود داشته است در حدی که شخص حالت دیوانگی پیدا کرده و در بیمارستان بستری شده است.

بلوط یا "**بلی**"^۲: این گونه درختی را شاید بتوان مهم‌ترین گونه گیاهی منطقه دانست چراکه نقش بسیار مهمی در زندگی روستاییان در گذشته و حال داشته است. بلوط در ارتفاعات پایین تا بالای سامان عرفی رویش دارد. از اجزای مختلف درخت بلوط به منظور خوراک، دارو، ابزار، سوخت، صنایع دستی و علوفه استفاده می‌شود. برای استفاده خوراکی فصل رسیدن میوه بلوط که در اصطلاح محلی "**بلی**" نامیده می‌شود اواخر مهرماه و پس از اولین بارش‌های پاییزه می‌باشد، برداشت بلوط پس از بارش باران به آن دلیل می‌باشد که باران از تلخی میوه بلوط می‌کاهد و آن را برای مصرف مناسب‌تر می‌کند. استفاده خوراکی از میوه بلوط به دو صورت است یکی اینکه از آن آرد تهیه می‌شود و با آرد آن نان تهیه می‌گردد و دیگری اینکه میوه بلوط را قدری حرارت می‌دهند و پس از پوست کنی به شکل خام مصرف می‌شود.^۳

میوه بلوط خاصیت دارویی نیز دارد که در پیشگیری و درمان ناراحتی‌های گوارشی به ویژه اسهال مؤثر است؛ در این بین مصرف آرد بلوط به همراه ماست برای درمان اسهال و اسهال خونی بیشتر توصیه می‌شود. داستان و شعر در درمان مشکل معده شاعر معروف گرتبار میرنوروز^۴ نیز در منطقه مطالعه معروف است که مشکل معده این شاعر را پزشکان

1. bangeh loelah
2. bali

۳- برای مطالعه بیشتر در این زمینه به مقاله بازگیر و همکاران (۱۳۹۴) مراجعه شود.

۴- میرنوروز ملقب به رند لرستان نام یکی از شاعران لر در قرن دوازدهم هجری است.

شیرازی درمان نمی‌کنند ولی زمانی به لرستان می‌آید با خوردن چند عدد بلوط درمان می‌شود و شعر زیر را می‌سراید: "همونی بلی، رُنجه کی عسگری ساز**بهره دو شال و نال شهر شیراز" که به این معنی که، همانا بلوط که با چاغوی کوچکی (رُنجه) پوست کنده و خورده شده است از آواز شهر شیراز و پزشکانش بهتر است.

علاوه بر این از چوب درختان بلوط برای موارد مختلفی مانند ساختمان‌سازی، ابزار و دسته ابزار، صنایع دستی، به‌عنوان پرچین و نیز سوخت استفاده می‌شود که با توجه به محدودیت حجم مقاله تشریح هر کدام از آنها از امکان‌پذیر نیست. اما امروزه مهم‌ترین نقش ملموس درختان بلوط در زندگی روستاییان به‌ویژه دامداران، استفاده از برگ و میوه این درختان به‌عنوان علوفه دام است. استفاده از برگ و میوه درختان بلوط در شرایط گرانی علوفه و هزینه‌های بالای زندگی، نقش بسیار مهمی در استمرار دامداری و تأمین معیشت دامداران دارد. برگ بلوط که از منابع عمده تأمین علوفه دام و به اعتقاد بسیاری مقوی‌ترین و بهترین برگ در بین درختان و درختچه‌ها برای تغذیه دام است. برگ درختان بلوط در فصول بهار، تابستان و پاییز مورد استفاده دامداران قرار می‌گیرد.

استفاده از برگ این درختان به چند روش صورت می‌گیرد در روش اول برای درختان شاخه‌زاد^۱ روی زمین یا در اصطلاح محلی "چرو"^۲ یا جست گروه‌ها است، در این روش به دلیل ارتفاع کم درختان، برگ‌ها توسط خودم دام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و یا به‌وسیله اره دستی برخی از پایه قطع و یا به‌وسیله دست خم و شکسته می‌شوند تا برگ‌های آن برای دام و چوبش به‌منظور سوخت مورد استفاده قرار گیرد. روش دوم برای درختان تک پایه یا چندپایه قطور است، این درختان خود به دو روش مورد استفاده قرار می‌گیرند روش اول این گونه است که برگ درختان به‌وسیله چوب بلند یا در اصطلاح "جلد"^۳ تکانه می‌شود. روش دیگر استفاده از این نوع درختان این گونه است که به‌وسیله اره شاخه‌های پُر برگ قطع شده تا همانند قبل مورد استفاده قرار گیرند.

۱- درخت شاخه‌زاد درختی است که از چندین پایه در کنار هم تشکیل شده است و ارتفاع آنها از درختان تک پایه به‌طور معمول کمتر است.

2. čerū
3. jald

قابل ذکر است که استفاده از برگ بلوط در اواخر تابستان که علوفه کف جنگل کاهش می‌یابد و میوه بلوط‌ها به‌طور کامل نرسیده است از دیگر زمان‌ها بیشتر است، دلیل دیگر این است که در این زمان برگ بلوط برای دام خوش‌خوراک‌تر است و از تلخی آن کاسته شده است. میزان استفاده از میوه و برگ درختان بستگی به بارندگی مناسب آن سال و گیاهان کف جنگل دارد که هر چه بهتر باشد استفاده از برگ و میوه درختان کاهش می‌یابد، بنابراین کاهش بارندگی و خشکسالی علاوه بر اینکه به‌طور عام برای درختان مضر است می‌تواند به‌طور خاص فشار دامداران را به درختان برای تأمین علوفه مورد نیاز بیشتر کنند. استفاده از برگ درختان در زمان کوچ دامداران در فصل بهار به منطقه ییلاقی (سفیدکوه) رایج نیست چرا که میزان علف به حد کافی برای چرای دام‌ها وجود دارد.

در بین میوه‌های درختان همانند استفاده از برگ، استفاده از میوه بلوط از اهمیت بیشتری برخوردار است. بذر درختان بلوط از منابع عمده تأمین خوراک دام است. درختان بزرگ بلوط که در اصطلاح محلی به آنها "دار" گفته می‌شود بذر بیشتری می‌گیرند، درختان کوچک‌تر که چرو نامیده می‌شوند بذر نمی‌دهند، البته درختانی که از دار کوچک‌تر هستند و از چرو بزرگ‌تر هستند و "شیره تل" نامیده می‌شوند به مقدار کم بذر می‌دهند. با رسیدن فصل پاییز بذرهای شروع به رسیدن می‌کنند و خودبه‌خود از شاخه جدا می‌شوند و بر روی زمین می‌افتند، یا در مواردی که بخواهند بذرهای خودشان بتکانند این کار به‌وسیله چوب بلند و یا تکان دادن شاخه‌ها به‌وسیله پرتاب سنگ انجام می‌شود، استفاده دام روستاییان از بذر درخت بلوط تا اواخر زمستان ادامه می‌یابد. استفاده از بذر بلوط برای خوراک دام بیشتر به‌صورت مصرف در عرصه است، با این حال برخی از دامداران در فصل پاییز اقدام به جمع‌آوری بذر بلوط و ذخیره آن برای خوراک دام‌ها می‌کنند تا در روزهای برفی و بارانی که دام‌ها به عرصه برده نمی‌شوند به مصرف برسد همچنین به‌منظور استفاده گوسفندان پرواری استفاده دارد. مصرف بذر بلوط برای دام معمولاً یک وعده در روز است و ترجیحاً اگر عصرها به دام داده شود بهتر است.

-
1. dār
 2. širahtal

بُن سرخ یا "سورپا"^۱: نام محلی سورپا مرکب از دو واژه سور (سرخ) + پا (پایه) است و دلیل نام گذاری این گونه قرمز رنگ بودن پایه این گیاه است. این گیاه علفی دارای خواص خوراکی و دارویی با ارزشی در بین روستاییان است. بُن سرخ در فصل بهار در ارتفاعات سفیدکوه رویش دارد و نحوه استفاده از آن به این شکل است که پس از برداشت برگ های جوان آن به وسیله دست در ماه های اردیبهشت و خرداد به صورت تازه و به تنهایی می پزند و مصرف می کنند و یا اینکه آنها را در آش های محلی می ریزند و مورد مصرف قرار می دهند. این گیاه همچنین توسط روستاییان خشک می شود تا در مواقع نیاز به ویژه در فصل زمستان در طبخ آش مورد استفاده قرار گیرد، نحوه خشک کردن بن سرخ به این صورت است که گیاهان چیده شده را با چاغویی ریز ریز می کنند سپس آنها را درون ظرفی می ریزند و به وسیله دست چنگ می زنند به شکلی که آب گیاه از آن خارج می شود، سپس آنها را قدری از هم جدا می کنند و بر روی سینی یا سبیدی پهن می کنند تا در سایه خشک شوند. دلیل چنگ زدن گیاه برای خشک کردن این است که چنگ زدن باعث می شود که گیاه تازگی و خاصیت خود را از دست ندهد. قابل ذکر است که در مواردی برگ تازه یا خشک شده گیاه به صورت جوشانده برای درمان مشکلات کلیوی از جمله درد، عفونت و سنگ کلیه مورد استفاده قرار می گیرد.

بنه یا "وی سفته"^۲: دلیل نام گذاری این گونه درختی به وی سفته این است که وقتی میوه آن در فصل پاییز به طور کامل می رسد سفت و استخوانی و توخالی می شود به نحوی که قابل مصرف نیست. نام محلی دیگر این گونه "دار جاجک"^۳ است که "دار" به معنای درخت و "جاجک" در زبان لکی به معنای آدامس یا سقر است، دلیل این نام، صمغ یا سقزی است که از این درخت استخراج می شود. بنه بیشتر در مناطق آفتاب گیر رویش دارد و از میوه و صمغ آن استفاده خوراکی و دارویی می شود. میوه این گونه در

1. sowerpā
2. vey sefta
3. dār jājek

اواخر تابستان و اوایل پاییز که نرم و در واقع نارس است برداشت می‌شود و به شکل تازه و خام و یا در ساخت ترشیجات خانگی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما استفاده و دانش اصلی پیرامون این گونه مربوط به سقز یا صمغی است که از آن استخراج می‌شود. به استخراج سقز یا صمغ در اصطلاح "جاجگیری" گفته می‌شود. برداشت سقز از این درختان بیشتر توسط کردهای استان کرمانشاه معمولاً در اواخر بهار (خردادماه) به روش تیشه‌زنی و کاسه‌گذاری که در اصلاح محلی "کوچله"^۱ گفته می‌شود انجام می‌شود.

سقز یا جاجک برای روستاییان کاربرد دارویی دارد که در موارد زیر استفاده می‌شود:

۱) درمان ناراحتی‌های دندان: مقدار از آن به اندازه تقریبی یک نخود ریز بر روی دندان یا درون دندانی که در اثر پوسیدگی در آن سوراخ ایجاد شده است گذاشته می‌شود تا درد دندان یا عفونت آن را برطرف کند، زمان اثر آن بسته به شدت عارضه متفاوت است و بیشترین اثر آن در برطرف کردن عفونت می‌باشد. ۲) درمان بیماری‌های گوارشی: برای درمان معده درد، عفونت روده و پاک کردن معده و روده از میکروب مقداری از سقز جویده می‌شود و پس از نرم شدن قورت داده می‌شود تا با گردش در دستگاه گوارش اثر خود را بگذارد. ۳) درمان ناراحتی‌های تنفسی: برای برطرف کردن عفونت ریه و یا حتی سرماخوردگی مقداری از آن را بر روی زغال دود کرده تا شخص بیمار آن را تنفس کند. برخی نیز معتقد بودند که اگر مانند تریاک دود این صمغ استنشاق شود اثر بیشتری دارد. ۴) درمان زخم، عفونت: برای کمک به روند بهبودی زخم‌ها، به ویژه زخم‌های عفونی مورد استفاده قرار می‌گیرد، به این شکل که مقداری از آن بسته به شدت عارضه پودر و بر روی زخم گذاشته می‌شود و با پارچه‌ای بسته می‌شود، قابل ذکر است که تأثیر این کار در بهبود زخم عفونت یافته بیشتر است. روش دیگر استفاده از آن برای کمک به روند بهبودی و یا ضدعفونی کردن زخم، استفاده از آن به شکل دود دادن آن در نزدیکی زخم است. همچنین از چوب درخت بنه به دلیل مثر بودن برای ساخت دسته‌های چوبی مشکک به نام

"دسل خوت"^۱ و "نوم نیرک"^۲ استفاده می‌شود. استفاده از چوب درختان مثمر برای ساخت دسته مشکل به این دلیل است که اعتقاد بر این است که چوب درختان مثمر موجب برکت مشک در تولید فرآورده‌های لبنی می‌شود.

بومادران یا "برنج داس"^۳: این گیاه علفی در اطراف روستا و مزارع در فصل بهار رویش دارد و استفاده از آن به صورت خوراکی، دارویی و ساخت مشک است. استفاده خوراکی از این گیاه در ساخت پنیر محلی و شیراز (دوغ پخته و غلیظ شده برای ساخت کشک یا مصرف با پنیر) است به این صورت که از برگ و گل‌های این گیاه به صورت تازه یا خشک شده و پودر شده بسته به مقدار پنیر یا شیراز، به آنها اضافه می‌کنند تا سبب خوشبو و مزه شدن آنها شود و نیز از تغییر طعم آنها جلوگیری کند. همچنین از این گیاه در اطراف خیک جای پنیر و شیراز قرار می‌دهند تا عطر و بوی خوش گیاه به آنها منتقل شود و از طرفی بوی آن مانع از نزدیک شدن حیوانات و حشرات به خیک حاوی پنیر و شیراز می‌شود. استفاده دارویی از این گیاه استفاده از برگ و گل تازه یا خشک شده آن به صورت جوشانده برای درمان دل‌درد و انگل روده است. همچنین برگ و گل این گیاه برای ساخت مشک یا خیک جای شیراز و پنیر کاربرد دارد، استفاده از آن به این صورت است که در مراحل ساخت خیک از پودر برگ و گل این گیاه با دوغ مخلوط می‌شود و چندین مرتبه به پوست زده می‌شود تا موجب خوشبو شدن خیک یا پوست شود.

پیکل یا "بولهر"^۴ یا "بیلهر"^۵: گیاهی علفی است که در ارتفاعات سامان عرفی و بیشتر در مناطق برف‌گیر و البته در سایه‌ها یا در اصطلاح محلی "نَسار"^۶ رویش دارد. این گونه که در فصل بهار و اوایل تابستان رویش دارد از گیاهان علوفه‌ای با برگ و ساقه آبدار است که طبق دانش روستاییان برای دام بسیار خوش خوراک و چاق کننده است؛ روستاییان

1. dasalxot
2. nūmnirek
3. Berenj dās
4. bowlehar
5. beylehar
6. nesār

به گیاهانی مانند پیکل که چاق‌کننده دام هستند در اصطلاح گیاهان "بیم دار"^۱ می‌گویند. قابل ذکر است که به اعتقاد روستاییان دام‌ها وقتی از این گیاه تعلیف می‌کنند زودتر آماده جفت‌گیری می‌شوند یا در اصطلاح محلی "بر"^۲ می‌گیرند. از ویژگی‌های دیگر این گیاه این است که در کنار آن قارچی با نام قارچ بولهر نیز در فصل بهار رویش می‌کند که خوراکی و بسیار خوش طعم است. باید توجه داشت که با توجه به خوش خوراکی بالای این گونه متأسفانه این گونه در خطر تخریب و نابودی توسط دام‌ها قرار دارد.

تادار یا "تاوی"^۳: این گونه درختی در مسیر رودها و مکان‌های مرطوب و در ارتفاع پایین تا بالای سامان عرفی رویش دارد. این گونه درختی از گونه‌های مورد احترام در بین بومیان است و از آن استفاده اعتقادی، صنایع دستی و خوراکی می‌شود. چوب تادار به عنوان چشم‌زخم استفاده می‌شود که اصطلاحاً به چوب آن "نجس"^۴ گفته می‌شود که به معنی همان چشم‌زخم است. استفاده به عنوان چشم‌زخم در موارد زیادی مانند استفاده در گردن دام‌ها سبک و سنگین، بستن بر روی شاخه درختان مثمر باغی، استفاده در گهواره کودکان، استفاده از شاخه آن به شکل کمان برای پشه‌بند نوزادان، استفاده برای ساخت دسته‌های مشک و دیگر موارد مشابه است.

همچنین از چوب این گونه برای ساخت ابزاری به نام "هچل"^۵ مورد تأکید است. هچل چوبی به شکل عدد ۷ و یا U که دارای دسته‌ای به اندازه ۱۰-۲۰ سانتیمتر است و برای گیره و بد بار بر دوش ستوران از آن استفاده می‌شود. همچنین میوه سبز و تازه این درخت در اردیبهشت‌ماه که پوست رویی آن نازک و تازه است به صورت تازه و در حد کم استفاده می‌شود، میوه این گونه با نام "بر تاوی"^۶ در اوایل پاییز می‌رسد که شیرین و خوش مزه و به رنگ زرد است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. قابل ذکر است که استفاده از میوه این درخت توسط افرادی محدود و در حد خودمصرفی است.

-
1. bimdār
 2. bar
 3. tāvi
 4. najes
 5. hačal
 6. bartāowi

جائیریا "زَل"^۱: گیاه علفی چندساله است که در کنار آبراهه‌ها و رودخانه‌ها و مناطق مربوط رویش دارد. تنها استفاده از این گیاه مربوط به گذشته است که از آن برای ساختمان‌سازی در فصول مختلف سال استفاده شده است. نحوه استفاده به این صورت بوده است که ساقه این گیاه که به گیاه نی شباهت دارد را به وسیله اره یا داس برداشت می‌کردند و آنها را بر روی تیرهای چوبی سقف خانه یا طویله در کنار هم می‌چیده‌اند. سپس بر روی آنها کاهگل یا «شَمسه»^۲ ریخته‌اند. پوشیده شدن سقف به وسیله ساقه جائیر، هم باعث مناسب پوشش مناسب سقف شده است و هم به اعتقاد روستاییان به علت برنده بودن ساقه این گیاه موجب می‌شده است که از نفوذ حشرات و جانوران مانند مار جلوگیری شود.

همان‌طور که گفته شد این گیاه هیچ استفاده و ثمره دیگری ندارد و در مورد بی‌ثمر بودن آن و نیز درخت کیکم میرنوروز شاعر شعری سروده است که در بین روستاییان معروف است و بیان می‌کند: "باغوان کیکم، اویار زَلم***همنشین ناکسم، بیا و سیلم" شاعر در شعر خود به باغبانی از درختان کیکم و آبیاری گیاه جائیر (زَل) اشاره کرده است که در واقع کنایه از انجام کاره بیهوده است چرا که درختان کیکم و گیاه جائیر ثمری برای خوردن ندارند.

چویل سه پاره یا "چویر"^۳: این گیاه در فصل بهار در ارتفاعات سفیدکوه و معمولاً درون چاله‌های برف‌گیر و مناطق سنگی و مرتفع که برف آنها ذوب شده است رویش دارد. گل‌های زردرنگ این گیاه که بسیار معطر و خوشبو است در اواخر بهار برای خوشبو کردن خیک روغن (هیزه) برداشت می‌شوند. نحوه استفاده به این صورت است که گل‌ها و غنچه‌های گیاه (گل‌آذین) یا در اصطلاح محلی "گَر"^۴ که هنوز به گل تبدیل

1. zal

۲- (šamsa) در واقع مخلوطی از کاه، گل و نمک است. استفاده از کاه برای بیشتر شدن قوام گل است و نمک برای جلوگیری از یخ زدن آن در فصول سرد است؛ چرا که یخ‌زدگی سبب خراب شدن گل می‌شود.

3. čowir

۴- در زبان لکی به غنچه، گَر (gor) گفته می‌شود.

نشده است در محل خروج روغن قرار داده می‌شود تا آن را خوش عطر کنند. همچنین از برگ و گل این گیاه در دوغ می‌ریزند تا خوشبو شود، از برگ و گل این گیاه به‌عنوان ادویه‌ای معطر نیز استفاده می‌شود. این گیاه استفاده دارویی نیز دارد به شکلی که از جوشانده گل و غنچه آن برای رفع دل‌درد، قولنج و نفخ شکمی انسان و حتی حیواناتی مانند اسب و قاطر استفاده می‌شود.

همچنین این گیاه به‌عنوان یکی از بهترین گیاهان برای تغذیه دام مورد اشاره قرار گرفته است که برگ، گل و ساقه آن در فصل بهار توسط دام‌دارانی که به سفیدکوه کوچ کرده‌اند مورد استفاده قرار می‌گیرد. دامداران معتقدند که استفاده از این گیاه موجب سلامت دام، افزایش وزن آنها و نیز خوش عطر شدن شیر و لبنیات دام‌ها می‌شود. چویل سه پاره از گیاهانی است که در بین مردم به زیبایی و خوش عطری شهره است و در مواردی در اشعار محلی برای توصیف زیبایی زلف و یا عطر معشوق از این گیاه استفاده شده است، به‌عنوان نمونه شعر: "چتر چی چویر چویر چی چتر*** پروده کردیا و گلاو و عطر" که به این معنی است که زلفان یار مانند گیاه چویر زیبا است و مانند گیاه چویر به عطر و گلاب پروده شده است.

خینجوک یا "وی نرمه"^۱: این گونه نیز همانند بنه بیشتر در مناطق آفتاب‌گیر رویش دارد و درخت و میوه آن بسیار به بنه (وی سفته) شباهت دارد ولی میوه این گونه به نام "قلنگ"^۲ که در فصل پاییز برداشت می‌شود نسبت به بنه نرم‌تر است و مغز پرچربی دارد که به شکل تنقلات مورد استفاده خوراکی قرار می‌گیرد. دلیل نام‌گذاری این گونه به وی نرمه نیز نرم‌تر بودن میوه این گونه نسبت به میوه درخت وی سفته است. قلنگ در استان لرستان یکی از خوراکی‌هایی که در شب یلدا یا در اصطلاح محلی "شو چله"^۳ همراه با گندم شیر، شاه دانه، کشمش و غیره توسط بسیاری از مردم خریداری و مورد استفاده قرار

1. vey narmah
2. qoleng
3. šowčela

می گیرد. قابل ذکر است که مقدار سقز (جاجک) این گونه نسبت به درخت بنه بسیار کمتر است به همین دلیل این درخت کمتر برای برداشت سقز استفاده می شود. البته همانند درخت بنه از چوب آن برای ساخت دسته مشک استفاده می شود، هرچند باید ذکر کرد با استفاده از مشک های برقی استفاده از چوب این درختان برای ساخت مشک های سنتی (پوستی) کمتر شده است.

خاکشیر ایرانی یا "پقلاچگه"^۱: گیاهی علفی است که در فصل بهار در میان مزارع و باغ ها رویش دارد. برگ گیاه در ابتدای رویش در اوایل بهار که فاقد گل است توسط برخی افراد به عنوان سبزی خوردنی استفاده می شود. شکل این گیاه در ابتدا رویش شبیه به پنجه پای مرغ است به همین دلیل در ابتدای رویش به آن "قل مرغ" که معادل پای مرغ است گفته می شود. وقتی گیاه بزرگ تر می شود پقلاچگه نامیده می شود. بذرهاى این گیاه که درون غلافی قرار دارند در اواخر بهار می رسند، برای برداشت بذرها غلاف ها را با دست از گیاه جدا کرده و دو تا سه روز جلوی آفتاب پهن می کنند تا خشک شوند. پس از خشک شدن غلاف ها حالت شکننده پیدا می کنند که با کوبیدن آنها و آلك کردنشان دانه های خاکشیر را جدا می کنند. از دانه های خاکشیر در آب و شربت برای رفع گرمادگی در فصل تابستان استفاده می شود. همچنین برخی معتقدند که دانه ای خاکشیر برای ناراحتی های معده و روده نافع است.

خوشک یا "تویلك"^۲: گونه ای درختچه ای است که در ارتفاعات مختلف سامان عرفی رویش دارد. استفاده از این گونه برای ساخت سرمه و نیز استفاده به عنوان جارو و زیر پای دام ها است. شاخه ها و برگ خوشک برای تهیه سرمه استفاده می شود، روش تهیه آن به این شکل است که قسمت داخلی یک تابه را به چربی گوسفند آغشته کرده به شکلی که لایه نازکی از چربی روی آن تشکیل شود بعد آن را بالای آتشی از شاخه ها و برگ

1. pa qelačga
2. qol merx
3. towilek

خوشک می‌گذارند تا دود آن به زیر تابه‌ آغشته به چربی بچسبد. قابل ذکر است که سوختن خوشک‌ها باید به شکلی باشد که همراه با دود باشد، برای این کار اطراف آتش و تابه را به جز چند محل برای ورود هوا محصور می‌کنند تا دود کم‌تر از آن خارج شود و به تابه بچسبد، پس از این کار لایه‌ای شبیه به دوده در قسمت داخلی تابه تشکیل می‌شود که همان سرمه است، که آن را به وسیله شیء نازک مانند یک کاغذ، با کشیدن بر روی آن جمع می‌کنند. قابل ذکر است که برخی اعتقاد دارند که سرمه علاوه بر خاصیت زیبایی که دارد باعث جلوگیری از کاهش دید نیز می‌شود. علاوه بر این روستاییان و به‌ویژه دامداران شاخه‌های گیاه خوشک را دسته می‌کنند و به‌عنوان جارو برای جارو زدن حیات و نیز طویله‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند. مورد دیگر استفاده از شاخه‌های این گیاه به‌عنوان پوششی در زیر پای بزغاله‌ها و بره‌های حدوداً ۲۰ روزه (۲۰ روز از تولد آنها گذشته است) است تا زیر پای آنها تمیز بماند و مریض نشوند.

درمنه زاگرسی یا "جوشن"^۱: این گیاه علفی از گیاهان با ارزش از نظر روستاییان است که فصل بهار در ارتفاعات بالای سفیدکوه می‌روید و زمان گلدهی آن اوایل تابستان است. این گیاه در بین روستاییان از خواص خوراکی و دارویی برخوردار است. اندام مورد استفاده این گیاه دانه‌های (بذر) تیره‌رنگ آن است که در اواسط و اواخر تابستان و حتی پاییز زمان برداشت آنها است. نحوه برداشت دانه‌ها به این صورت است که دست را به گونه‌ای بر روی ساقه گیاه می‌کشند که دانه‌های آن کنده شود و درون مُشت فرد باقی بمانند. این گیاه عطر بسیار خوش و البته تندی دارد به گونه‌ای که زیاد بویدن آن سبب سردرد و حتی سوزش چشم می‌شود. از دانه‌های آن به‌عنوان ادویه‌ای بسیار خوش عطر و طعم در غذاهایی مانند آبگوشت، املت، کباب کوبیده و سایر غذاها و حتی در لبنیات مانند ماست و دوغ استفاده می‌شود. علاوه بر این افراد بومی اعتقاد دارند که جوشن خاصیت دارویی فراوانی دارد و خوردن آنچه به‌صورت ادویه در غذاها و چه به‌صورت

جوشانده می‌تواند موجب سلامتی شود، همچنین برخی از جوشانده آن برای درمان انگل روده استفاده می‌کنند.

راناس یا "برالک": نام دیگر این گونه "هلونه" است. گونه‌ای درختچه‌ای است که که معمولاً قائم به خود نیست و در کنار درختان دیگر و در ارتفاعات پایین تا بالای سامان عرفی رویش دارد. این درختچه در صورتی که در کنار درختان دیگر نباشد (بیشتر در ارتفاعات سامان عرفی که درخت کمتر است) به صورت کپه‌ای و کشیده شده بر روی زمین دیده می‌شود. راناس استفاده خوراکی، دارویی و برای صنایع دستی دارد. استفاده خوراکی و دارویی از این گونه شامل استفاده از میوه‌ای کوچک قرمز و نارنجی‌رنگ و خوش طعم این درختچه با نام محلی "هلونه" است که در ماه‌های اردیبهشت و خرداد برداشت و به صورت خام در طبیعت یا به صورت جوشانده مصرف می‌شود. برخی اعتقاد دارند که میوه راناس مقوی معده و درمان‌کننده معده درد است. استفاده دیگر از این درخت مربوط به استفاده از چوب تقریباً قرمز و خوش‌رنگ و البته سخت و محکم آن است که برای ساخت عصا و چوب‌دست چوپانان مورد استفاده فراوان قرار می‌گیرد. قابل ذکر است که میوه راناس در ارتفاعات یکی از غذاهای خرس در سامان عرفی است.

زبان گنجشک یا "ونو": گونه‌ای درختی است که بیشتر در مسیر رودخانه‌ها و چشمه‌ها و در ارتفاعات پایین و میانی سامان عرفی دیده می‌شود. زبان گنجشک میوه یا استفاده خوراکی ندارد ولی چوب و برگ آن برای ساخت ابزار و صنایع دستی و نیز استفاده برای علفه دام موردپسند روستاییان است. چوب این درخت صاف، سبک و البته تا حدودی محکم است و همین ویژگی‌ها سبب شده است که از آن برای دسته ابزارهای مختلف مانند بیل، کلنگ، تیشه و غیره و نیز ساخت دوک، خیش چوبی و موارد دیگر استفاده شود، همچنین در موارد بسیاری از چوب آن در طبیعت برای ساخت سیخ برای

1. berālek

۲- halūnah برخی بنا بر نام میوه آن، به درختچه راناس نام هلونه نیز می‌گویند.

3. vano

کباب کردن استفاده می‌شود و اعتقاد بر این است که با این چوب طعم گوشت کباب شده تلخ نمی‌شود و بلکه خوش طعم می‌شود. استفاده دیگر از این درخت که مورد توجه دامداران است، استفاده از برگ این گونه به عنوان علوفه دام است. دامداران معتقد هستند که برگ زبان گنجشک برای دام بسیار خوش خوراک و مقوی است، برگ این گونه بیشتر در اواخر تابستان و پاییز که علوفه در طبیعت کاهش می‌یابد از طریق بریدن سرشاخه‌ها به وسیله اره در طبیعت و به شکل تازه مورد تعلیف دام‌ها قرار می‌گیرد.

زعفران جو قاسم یا "پیشوک"^۱: نام محلی دیگر این گونه "گل گایاری"^۲ است که به دلیل گل کردن این گونه علفی در اواخر تابستان و اوایل پاییز است که زمان شخم زدن زمین برای کشاورزی یا در اصطلاح محلی گایاری (شخم‌زنی با گاو) است. گل این گونه که به گل گیاه زعفران بسیار شباهت دارد سمی است و خوردن آن سبب مسمومیت شدید می‌شود و روستاییان از آن آگاه هستند. اما استفاده اصلی از این گیاه علفی مربوط به استفاده خوراکی از پیاز آن است. پیاز زعفران جو قاسم در زیر زمین قرار دارد و زمان برداشت آن ماه‌های فروردین و اردیبهشت به وسیله یک چوب یا آهن نوک تیز است. نحوه مصرف این گونه که اغلب در طبیعت صورت می‌گیرد به این صورت است که پیاز تازه آن را زیر زغال همراه با خاکستر قرار می‌دهند تا پخته و سپس پوست کنده و مصرف شود. سریش تماشایی یا "زرشک"^۳: گیاهی علفی است که در ارتفاعات برف‌گیر سامان عرفی و در محل آب شدن برف‌ها در فصل بهار رویش دارد. این گونه از گونه‌های خوراکی موردپسند اهالی منطقه است که هر ساله در فصل بهار برای برداشت آن در اوایل بهار به ارتفاعات سفیدکوه مراجعه می‌کنند، برداشت این گونه در حد زیاد است به گونه‌ای که برداشت کنندگان با خود کیسه‌های بزرگ و چهارپا همراه می‌برند تا توانایی حمل و انتقال آنها را از مسیر سخت و پرشیب سفیدکوه تا روستا را داشته باشند. روش برداشت این

1. pišūk
2. golgāyari
3. zerešk

گونه به این شکل است که به وسیله چاغو و اندکی پایین تر از سطح زمین ساقه آن قطع و برداشت می شود، قابل ذکر است که هرچه این گونه در زمان برداشت جوان تر باشد برگ های آن طعم بهتری دارد و نرم تر و خوش خوراک تر است و اگر به مرحله گل دهی برسد برگ آن سفت و تلخ و غیر قابل مصرف می شود. گیاه سریش پس از برداشت به وسیله چاغو به تکه های کوچک تر خرد می شود و همراه با مقدار کمی برنج پخته می شود و پس از اضافه کردن پیاز سرخ شده به شکل بورانی همراه با نان مورد مصرف قرار می گیرد. سریش از گیاهانی است که مصرف خوراکی بالایی در منطقه دارد به شکلی که برخی افراد اقدام به جمع آوری و فروش آن می کنند و در شهرها و بازار نیز مشتری و فروش دارد. سلمه تره یا "سلمونه حلاله"^۱: این گیاه علفی در فصل بهار در ارتفاعات پایین تا بالای سامان عرفی و درون زمین های کشاورزی و عرصه های جنگلی رویش دارد. گونه گیاهی علفی دیگر با شباهت بسیار زیاد به سلمه تره وجود دارد که به آن در اصطلاح محلی به آن "سلمونه خرومه" گفته می شود.^۲ سلمونه خرومه برگ های زبرتری دارد و خوراکی نیست که حتی برای دام نیز خوش خوراک نیست، باین حال برگ های سلمه تره که نرم تر و تا حدودی مخملی شکل هستند خاصیت خوراکی دارد. برگ های این گیاه به وسیله دست چیده می شوند و پس از طبخ شدن به شکل بورانی مصرف می شوند. نحوه طبخ آن این گونه است که ابتدا برگ ها با مقدار کمی آب طبخ می شوند، سپس برگ ها را به وسیله دست می فشارند تا آب آنها خارج شود و آنها را مجدد با روغن و پیاز تفت می دهند و مصرف می کنند که از نظر روستاییان غذایی بسیار خوش مزه در فصل بهار است، البته باید ذکر کرد که مصرف سلمه تره خاصیت ملین کننده دارد ولی هدف اصلی مصرف آن خوراکی است.

1. salmūah

۲- این گونه گیاهی سلمک برگ گزنه ای با نام علمی (*Chenopodium murale* L.) است.

سنبل بیابانی رفیع یا "گنل"^۱: گیاه علفی که در ارتفاعات میان‌بند و بالایی سامان عرفی در فصل بهار رویش دارد. برگ و ساقه این گونه برای رنگرزی و نیز در مواردی برای مارگزیدگی استفاده دارد. استفاده از برگ و ساقه این گونه به‌منظور رنگرزی مربوط به گذشته نه‌چندان دور است و امروزه دیگر از آن استفاده نمی‌شود. برای رنگرزی اواخر بهار و اوایل تابستان برگ‌ها و ساقه گیاه به‌وسیله داس برداشت و به‌طور معمول توسط چهارپایان به روستا منتقل می‌شده است، پس از آن ساقه و برگ گیاه در قابلمه‌ای همراه با آب ریخته می‌شود پس از گرم شدن آب و پختن و رنگ دادن گیاه به آب، پشم‌ها در آن فروبرده می‌شود و به‌وسیله چوبی هم زده می‌شوند تا پشم‌ها به رنگ زرد درآیند، این کار حدود یک تا دو ساعت زمان می‌برد، پس از این کار می‌توان رنگ‌های متفاوتی به پشم‌ها زد.

در واقع این کار که گنل زنی نامیده می‌شود بدان منظور است که رنگ پشم‌ها یکدست شود و پشم رنگ را بهتر به خود جذب کند. همان‌طور که اشاره شد از برگ گنل برای مارگزیدگی به‌ویژه در فصل تابستان و بیشتر در گذشته استفاده شده است. نحوه استفاده این گونه بوده است که مقدار از برگ گیاه با مقدار کمی آب طبخ می‌شده است و پس از له کردن به محل مارگزیدگی به شکل ضماد گذاشته شده و با پارچه‌ای تا ۲-۳ روز بسته می‌شده است، این کار دو تا سه مرتبه برای بهبود مارگزیدگی صورت می‌پذیرفته است.

شنگ یا "شنگ"^۲: این گیاه علفی اغلب در زمین‌های کشاورزی و زمین‌های با خاک نرم در اطراف روستا رویش می‌کند و فصل برداشت آن ماه‌های فروردین و اردیبهشت از فصل بهار می‌باشد. شنگ بیشتر توسط زنان به‌وسیله چاغو برداشت می‌شود و به‌صورت خام و تازه همراه با نمک و گاهی آبغوره مصرف می‌شود. قابل ذکر است که این گونه از گیاهان خوش‌خوراک برای مصرف دام است.

1. ganel
2. šeng

شنگ اسبی کاکلی یا "هپلوک"^۱: این گیاه علفی در ارتفاعات میانی سامان عرفی در فصل بهار رویش و برگ آن به گیاه شنگ بسیار شبیه است. برخی افراد ریشه این گیاه که در واقع پیازی شکل است و در اصطلاح محلی به آن "سیرک"^۲ گفته می‌شود را از زیر خاک با وسیله‌ای چوبی یا فلزی نوک تیز خارج می‌کنند و زیر زغال و خاکستر قرار می‌دهند تا پخته شود و پس از پخته شدن و پوست کندن مانند سیب‌زمینی پخته مصرف می‌شود.

شیرخشت زاگرسی یا "کشمش کاولی"^۳: شاید دلیل نام‌گذاری این گونه میوه آن باشد که تا حدودی به کشمش شباهت دارد. شیرخشت زاگرسی گونه‌ای درختچه‌ای است که در بیشتر در ارتفاعات میانی سامان عرفی و درون دره‌ها رویش دارد. دانش و استفاده از این گونه شامل استفاده از چوب و میوه این گونه است. چوب این درختچه بسیار به درختچه راناس شباهت دارد ولی کیفیت و زیبایی آن قدری پایین‌تر است، با این حال از آن برای ساخت عصا و چوب‌دست چوپان استفاده می‌شود. همچنین این گونه در اواسط پاییز میوه‌اش می‌رسد که در حد کم و در طبیعت مورد مصرف انسان قرار می‌گیرد و البته از میوه‌های موردپسند و مصرف پرندگان به‌ویژه کبک‌ها است.

شیرمرغ ایرانی یا "آوگرک"^۴: این گیاه علفی یکساله در فصل بهار آب را در کاسبرگ خود نگه می‌دارد به همین دلیل نیز به این نام: آو (آب) + گرک (مورد نیاز) نامیده شده است. این گیاه از گیاهان خوراکی است که در فصل بهار درون مزارع اطراف روستا رویش دارد و به‌وسیله چاغو به‌وسیله زنان برداشت و همراه با گیاه غازیاقی یا کنگر پخته و با نان مصرف می‌شود. طعم این گیاه نیز شبیه به گیاه غازیاقی است و درون ساقه این گیاه ماده چسبناکی و خوش‌طعمی وجود دارد که به خاطر همین ماده خورده می‌شود.

-
1. hapelūk
 2. serek
 3. kešmeš kāoweli
 4. āowgerak

شیرین بیان یا "بله"^۱: روستاییان و دامداران به گیاهانی که دام از آنها نمی‌خورد به‌طور کلی "بله گیاه" می‌گویند شاید دلیل نام‌گذاری شیرین بیان نیز همین مورد باشد که دام از این گیاه تعلیف نمی‌کند. شیرین بیان گیاهی علفی است که در جنگل‌ها و زمین‌های کشاورزی در ارتفاعات پایین تا میانی سامان عرفی در فصل بهار و تابستان دیده می‌شود. مورد استفاده از این گیاه، استفاده دارویی از ریشه آن است که خاصیت آن در پزشکی نیز ثابت شده است. ریشه گیاه با وسیله‌ای مانند کلنگ از زمین استخراج می‌شود، سپس تمیز و همراه با آب جوشانده می‌شود تا شیرابه غلیظ و تیره‌رنگی از آن حاصل شود که این شیره برای درمان ناراحتی‌های دستگاه گوارش و زخم معده مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فاشرا یا "شومی شیطونی"^۲: شومی در زبان لکی به معنای هندوانه است و دلیل نام‌گذاری این گونه، میوه‌های هندوانه‌ای شکل آن ولی بسیار کوچک‌تر از هندوانه و در اندازه توپ تنیس است. فاشرا بیشتر در ارتفاعات سامان عرفی و به‌صورت چسبیده به گیاهان دیگر دیده می‌شود. برگ و میوه این گیاه علفی که در فصل پاییز می‌رسد دارای خواص دارویی است. میوه این گیاه به خاطر خاصیت مسهل آن در صورت نیاز استفاده می‌شود، همچنین اعتقاد بر این است که برای پایین آوردن فشارخون مصرف میوه آن مفید است. از طرف دیگر برخی روستاییان بیان کردند که مصرف جوشانده برگ و ساقه این گیاه برای درمان سرطان معده و روده مفید است.

فرفیون یا "خوشیل"^۳: نام محلی این گونه مرکب از دو واژه خوش + شیل (شیر) است که به معنی شیردهنده است. این گیاه علفی در ارتفاعات پایین تا بالای سامان عرفی رویش دارد که دارای انواع گونه در منطقه است و در فصل بهار و تابستان و حتی پاییز رویش دارند. این گیاه استفاده دارویی، زنبورداری و علوفه‌ای دارد. استفاده دارویی شامل استفاده از شیر گیاه است که همان‌طور که از نام محلی این گیاه نشان می‌دهد اگر ساقه

1. balah
2. šūmišetūni
3. xošil

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۲۷

این گیاه بریده یا شکسته شود شیرابه سفیدرنگی از آن خارج می‌شود که برای درمان میخچه و زگیل آن را چند بار به محل موردنظر می‌زنند تا اثر کند، قابل ذکر است که شیرابه این گیاه اگر بر روی لباس یا هر پارچه‌ای ریخته شود قابل پاک شدن نیست و لکه آن باقی می‌ماند. همچنین گل‌های این گیاه از گونه‌های موردپسند زنبورها و نیز خود گیاه از گیاهان خوش خوراک دام‌ها است.

فرنجمشک (وارنگ بو) یا "مَفْرَاح"^۱: این گیاه علفی در سامان عرفی رویش ندارد بلکه در ارتفاعات بالای کوه‌های گرین که در شمال شهرستان سلسله است می‌روید با این حال روستاییان از این گیاه استفاده و برداشت دارند و آن را یکی از گیاهان با ارزش غذایی و دارویی می‌دانند. گیاه مفراح شبیه به گیاه پونه است و برگ آن در فصل بهار و تابستان به وسیله دست چیده و خشک می‌شود و به‌عنوان ادویه‌ای معطر در تهیه غذاها مورد استفاده قرار می‌گیرد. همچنین جوشانده برگ این گیاه برای برطرف کردن عفونت داخلی به‌ویژه معده و روده مورد استفاده قرار می‌گیرد. همان‌طور که پیش‌تر نیز ذکر شد در ارتباط با جایگاه ویژه این گیاه در بین روستاییان شعری وجود دارد که بیان می‌کند: "بِچَمِ گَرین اَره سه چی خاص، سِمسا و مَفْرَاح و چویر بوخاص" که به این معنی است که به کوه گرین سفر کنم برای سه گیاه خاص به نام‌های سمسا (بادرنجوبه دناپی)، مفراح و چویر که عطر و بوی خوشی دارند.

کتان سفید یا "کُم"^۲: این گیاه علفی در ارتفاعات پایین سامان عرفی و درون مزارع و راه‌ها در فصل بهار رویش دارد. برگ و ساقه این گیاه دارای ماده چسبناکی است به همین دلیل در شکسته‌بندی انسان و حیوان در گذشته و حتی امروزه کاربرد دارد. نحوه استفاده به این صورت است که برگ و ساقه تازه یا خشک شده این گیاه را می‌کوبند و با زرده تخم‌مرغ مخلوط می‌کنند تا ماده‌ای چسبنده و محکم تهیه گردد. این ماده را همراه

1. mofarāh
2. kom

آتل در محل شکستگی قرار می‌دهند تا ضمن خشک شده از حرکت محل شکسته شده جلوگیری کند و موجب مداوای استخوان شکسته شود.

کما یا "کمه حلاله"^۱: به‌طور معمول در نام‌گذاری‌های محلی واژه حلال یا حلاله نشان بهتر بودن یک گیاه نسبت به گیاه مشابه آن است، در اینجا نیز این گیاه نسبت به گیاه مشابه با نام "کمه گره"^۲ که گیاه علفی آدمک است بیشتر مورد اقبال است. این گونه علفی که در ارتفاعات ییلاقی و در فصل بهار رویش دارد از گونه‌های خوش‌خوراک و مقوی برای دام محسوب می‌شود. دام‌ها برگ، ساقه و گل گیاه کما را در فصل بهار تعلیف می‌کنند، ولی گیاه آدمک (کمه گره) به‌اندازه این گونه برای دام خوش‌خوراک نیست.

کنگر خوراکی یا "کنتر"^۳: کنگر گیاهی علفی است که در ارتفاعات پایین و میانی سامان عرفی در فصل بهار رویش دارد. استفاده از این گیاه شامل استفاده خوراکی و علوفه‌ای است. ریشه و ساقه جوان این گیاه در ابتدای بهار اندام‌های اصلی خوراکی این گیاه هستند که برای برداشت آن‌ها نیاز به دیملی فلزی یا چوبی است، پوسته ریشه گیاه پس از استخراج جدا می‌شود و پاک می‌شوند. ریشه و ساقه کنگر در تهیه خورش کنگر، پخت با شیر و برنج و یا به‌صورت خام با نان استفاده می‌شود. استفاده خوراکی دیگر از این گیاه شامل استفاده از بذر این گیاه در اواخر فصل بهار است که کنگر پیر می‌شود و دانه یا بذر می‌کند که به بذر آن در اصطلاح محلی "دتوکه"^۴ می‌گویند که به‌صورت خام مصرف می‌شود طعم خوبی شبیه به پسته دارد. همچنین برگ‌ها و ساقه کنگر توسط دام‌ها به‌ویژه بزها در فصل بهار و تابستان مورد استفاده قرار می‌گیرد، به دلیل خاردار بودن برگ گیاه کنگر، دام‌ها ابتدا برگ آن را با سُم یا شاخ به زمین می‌سابند تا خار آن کم شود و بتواند از قسمت انتهایی ساقه که خار کمتری دارد برگ و به‌ویژه ساقه آن را بخورند، قابل ذکر است که این گیاه نیز از گیاه مقوی برای دام است.

-
1. kamah
 2. Kamah garah
 3. kanar
 4. dænūka

کیکم یا "جیوه"^۱: این گونه درختی در ارتفاعات پایین تا بالایی سامان عرفی و بیشتر درون دره‌ها رویش دارد. استفاده از این درخت شامل استفاده در ساخت صنایع دستی و تأمین علوفه است. چوب درخت کیکم دارای گره‌های است که در اصطلاح محلی به آنها "زپ"^۲ گفته می‌شود، از این گره‌های یا برآمدگی‌های چوب کیکم به دلیل نقش و نگارهای زیبا و البته محکمی که دارد توسط افراد ماهر برای ساخت پیپ و وافور استفاده دارد بومیان معتقد هستند که دلیل این نقش و نگارها بر روی چوب کیکم عکس گرفتن درخت کیکم از طبیعت در روز خاصی از فصل بهار است! که تصویر آن منظره در لحظه ثبت بر روی چوب نقش می‌بندد. همچنین از چوب این درخت به عنوان دسته ابزار مانند تیشه استفاده می‌شود. استفاده دیگر از درخت کیکم شامل استفاده از برگ درختان برای تأمین علوفه دام در فصول بهار و به‌ویژه تابستان و پاییز از طریق بریدن شاخه درختان توسط دامداران استفاده می‌شود. درخت کیکم همان‌طور که مشخص است میوه‌ای برای مصرف ندارد به همین دلیل میرنوروز شاعر در رابطه با بی‌ثمر بودن درخت کیکم شعری سروده‌اند که بیان می‌کند: "باغوان کیکم، اویار زلم***همشین ناکسم، بیا و سلیم" شاعر در شعر خود به باغبانی از درختان کیکم اشاره کرده است که در واقع کنایه از انجام کاره بیهوده است چراکه درختان کیکم نیز ثمری برای خوردن ندارند.

گل آفتاب اروپایی یا "دو ملیچک"^۳: نام این گیاه مرکب از دو واژه دو (دانه)+ ملیچک (گنجشک) است که به این معنی است که دانه‌های این گیاه غذای گنجشک‌ها است. این گیاه علفی معمولاً در فصل بهار میان مزارع و کنار رودخانه‌ها و در ارتفاعات پایین سامان عرفی می‌روید. این گیاه استفاده خوراکی در حد کم دارد، غنچه‌های این گیاه که دانه‌های ریزی درون آن است قبل از اینکه گل آن‌ها باز شود گاهی توسط افراد در طبیعت به صورت خام مصرف می‌شود، همچنین دانه‌های ریز آن که به اندازه و شکل خاکشیر هستند گاهی در طبیعت توسط افراد مصرف می‌شود.

1. jivah

2. zep

3. dūmeličak

گل ختمی یا "گل هیرو"^۱: این گیاه در ارتفاعات پایین و میانی سامان عرفی رویش دارد. گل ختمی با رنگ گل‌های مختلف در مناطق مختلف سامان عرفی وجود دارد، این گیاه از خردادماه تا اواخر تابستان گل دارد. استفاده دارویی این گیاه شامل استفاده از گل این گیاه است. از جوشانده گل این گیاه به‌عنوان شامپو برای درمان ریزش مو، شوره و چربی سر استفاده می‌شود. همچنین از جوشانده گل‌های آن برای درمان بیماری زردی گاو و گوسفند استفاده می‌شود.

موسیر یا "زویل"^۲: این گونه علفی از گونه‌های با ارزش منطقه است که بیشتر در ارتفاعات سامان عرفی و در خاک‌های نرم رویش دارد. پیاز این گونه در فصل تابستان به‌منظور عطردهی و خوش طعم کردن دوغ یا ماست و در آش و ترشیجات استفاده می‌شود. برای مصرف موسیر، ابتدا پیاز آن را از غلاف بیرون آورده و سپس در آب جوشانده تا تلخی آن از بین برود (برخی این کار را انجام نمی‌دهند)، بعدازاین مرحله آن را به حالت دلخواه قاچ کرده و در مسیر آب قرار داده تا مزه تلخ آنها از بین برود در مواردی نیز آنها را در ظرف آب قرار می‌دهند و مدت‌زمان حدود ۴۸ ساعت هر ۳-۴ ساعت یک‌بار آب آنها را عوض می‌کنند، پس از این مرحله موسیر آماده مصرف است.

برای نگهداری از موسیر پس از شیرین کردن آن، جلوی آفتاب پهن می‌کنند تا خشک شود و آن را به‌صورت پودر یا قاچ شده در غذاها و ترشیجات استفاده می‌کنند. به ماستی که موسیر در آن می‌ریزند "زویل و ماس" یا همان ماست موسیر می‌گویند. این گونه از گونه‌های پرمصرف و بازاری در استان لرستان و کشور است که هر کیلوی پیاز تر آن در سال ۱۳۹۹ در بازار قیمت بین ۷۰-۹۰ هزار تومان دارد. متأسفانه برداشت پیاز این گونه سبب از بین رفتن گیاه خواهد شد ولی خوشبختانه در منطقه مورد مطالعه برداشت عمده آن صورت نمی‌گیرد، عدم برداشت به دلیل حفاظتی بودن منطقه و تخلف محسوب شدن برداشت این گونه است.

1. gol herū
2. zowil

مینای پرکپه یا "خرسداری"^۱: نام این گیاه مرکب از دو واژه خرس + داری (دارو) است که به معنی داروی خرس است، روستاییان دلیل نام گذاری این گونه را مصرف این گیاه در ارتفاعات سامان عرفی توسط خرس ها بیان کردن، این گیاه طعم بسیار تندی دارد و روستاییان اعتقاد داشتند که حیوانی مانند خرس تحمل خوردن این گیاه با چنین طعم تندی را دارد. مینای پرکپه گیاهی علفی است که در ارتفاعات برف گیر سامان عرفی رویش دارد. این گیاه به دلیل طعم بسیار تند آن استفاده خوراکی ندارد و تنها استفاده آن در موارد ضروری استفاده دارویی است. گل و برگ این گیاه در فصل بهار چیده و از دم کرده این گیاه برای درمان چربی خون و قند خون استفاده می شود. طعم این گیاه بسیار تلخ است و شخص مصرف کننده توان مصرف مقدار کمی از آن را دارد.

نسترن کوهی یا "میداره"^۲: نام این گونه مرکب از دو واژه می (مو) + داره (دارد) است که به این معنی است که این گونه مو دارد. دلیل این نام گذاری کرک دار بودن درون تخمدان گل این گیاه است که به مو شباهت دارند. این گونه درختچه ای در واقع یک گل است که در درون دره ها و کنار رودخانه ها و مناطق نسبتاً مرطوب در سراسر سامان عرفی رویش دارد. میوه یا در واقع تخمدان گل این گونه استفاده خوراکی و دارویی دارد. تخمدان گل نسترن کوهی در فصل پاییز قابل برداشت است که طعمی ترش و شیرین دارد. برای مصرف به صورت خام به دلیل کرک دار بودن و بذردار بودن تخمدان این گیاه، بعد از درآوردن بذر و کرک های آن به صورت خام مصرف می شود.

روستاییان اعتقاد دارند که مصرف تخمدان این گونه برای درمان دل درد، اسهال درمان است و مقوی معده است. روش دیگر استفاده از تخمدان گل نسترن کوهی، استفاده از آن به صورت جوشانده است که برخی برای درمان اسهال و دل درد به این صورت استفاده می کنند. علاوه بر گونه های گیاهی که تا اینجا به گیاه مردم نگاری آن پرداخته شد بسیاری دیگر از گیاهان وجود داشتند که برای بومیان شناخته شده بودند و نسبت به آنها دانش

1. xersdāri
2. midārah

داشتند. از جمله گیاهان علوفه‌ای که دامداران نسبت به آنها شناخت داشتند می‌توان به گیاهان سرشکافته، کمای مرتفع، زول، توت روباهی، شکر تیغال، سربال، سیلن، شنبلیله، ماشک خزری، پنیرک، جگن، گوش بره، گون، خارپنبه، زبان پس قفا، گوش خرگوش، خلر، گاودانه، ناخنک، کاردی، تُرشک شفا دهنده، بی تی راخ، گل گندم طلائی، خاکشیر تلخ موج، کلاغک، ماشک برگ پهن، زبان پس قفا، فیکاریکا، گز پر شاخه، گیس چسبک، بنگرو و خارخسک اشاره کرد.

همچنین بسیاری دیگر از گیاهان با خواص خوراکی و دارویی مانند بنه، شنگ اسبی، پلوری، شکر تیغال، خردل بیابانی، سنجد، شاه تره، آویشن، چای کوهی، کاکوتی کوهی، پونه، تره کوهی، پیاز کلاغ، پنیرک، خشخاش زراعی، ماشک برگ پهن، ناخنک، زالزالک، ارمستانی، زالزاک خونین، گلابی وحشی، آلوچه، تمشک، تاجریزی و مو گل گاوزبان، بابونه دارویی، گل ختمی در منطقه وجود داشته است. دانش بومی در ارتباط با برخی گیاهان مربوط به ساخت ابزار و صنایع دستی بوده است که شامل گیاهانی از جمله شن، علف جارو، قمیش، نی، محلب، پده، زربید، بید سفید، صنوبر شرقی و بنگرو است.

بحث و نتیجه گیری

انجام این تحقیق نشان دهنده دانش غنی روستاییان منطقه از گیاهان محیط زندگی شان است که به روشنی نشان می‌دهد که دانش روستاییان تنها به استفاده‌های دارویی از گیاهان ختم نمی‌شود بلکه از گیاهان برای اهداف مختلف خوراکی، دارویی، علوفه، ابزار، ساختمان، پرچین و مواردی دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرند، استفاده چندجانبه از گیاهان در مطالعات فرهادی (۱۳۸۵: ۴۴ و ۴۵ و ۴۶)، فروزه و همکاران (۱۳۹۳: ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹)، بازگیر و همکاران (۱۳۹۴: ۱۹۰) و کیاسی و همکاران (۱۳۹۸: ۱۶۶) نیز مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجایی که پژوهش‌های بررسی همه‌جانبه گیاه مردم‌نگاری گیاهان در کشور ایران محدود است به نظر مطالعات جامع‌تر می‌تواند اهمیت گیاهان را در زندگی انسان‌ها و

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۳۳

به‌ویژه بومیان و جنگل‌نشینان بیشتر نمایان کند. از طرف دیگر صرف پرداختن به خواص دارویی گیاهان و تشویق به تجاری‌سازی گیاهان می‌تواند تقاضا برای این گیاهان دارویی را افزایش دهد و موجب تهدید این گونه‌های گیاهی و نیز استفاده نادرست و ناپایدار از آنها و در نهایت ایجاد مشکل برای بومیان به‌ویژه در تأمین معیشت آنها شود.

نتایج بیانگر دانش غنی در رابطه با گیاهان بود به شکلی که ۱۲۵ گونه گیاهی متعلق به ۴۱ خانواده گیاهی در منطقه مورد مطالعه شناسایی شد. خانواده گیاهی کاسنیان، سوسنیان و گل‌سرخیان به ترتیب با ۱۸، ۱۲ و ۱۲ گونه بیشترین گونه‌های گیاهی را داشتند. نتایج مربوط به توزیع گونه‌ها در خانواده‌های گیاهی با پژوهش‌های انجام شده در کشور ایران به‌ویژه در غرب کشور از جمله احمدی و همکاران (۹۸:۱۳۸۸)، ذولفقاری و همکاران (۵۴۴:۱۳۹۱)، خداایاری و همکاران (۱۶:۱۳۹۳)، میردیلیمی و همکاران (۱۳۵:۱۳۹۳)، علی‌میرزایی و همکاران (۱۹۳:۱۳۹۶) و دلفان و همکاران (۶۷:۱۳۹۸) و البته مطالعه زاهو و همکاران (۴۷۶:۲۰۲۰) در کشور چین همخوانی دارد، ولی با نتایج پژوهش‌های خارج از کشور مانند کاریو و والز (۱۰۲۴:۲۰۱۲)، چینسمبو و همکاران (۵:۲۰۱۹)، ژیونگ و همکاران (۴۰۶:۲۰۲۰) و نیز پژوهش‌هایی در کشور ایران مانند بهرامی و کمالی (۶۲:۱۳۹۱)، قاسمی دهکردی و همکاران (۱۰۸:۱۳۹۱)، شریفی‌فر و همکاران (۴۰:۱۳۹۲) همسو نیست، که دلیل اصلی این ناهمخوانی می‌تواند مربوط به تفاوت بوم‌شناسی مناطق با یکدیگر و در نتیجه ایجاد تنوع گیاهی متفاوت در این مناطق باشد.

بومیان جنگل‌ها و منابع طبیعی نخستین بهره‌برداران این منابع بوده‌اند که در طول زمان نسبت به این گونه‌ها دانش گسترده‌ای پیدا کرده‌اند، دانشی که شامل نام‌گذاری آنها، مکان رویش، خواص گیاهان، شیوه بهره‌برداری، شیوه استفاده و غیره شده است. طبق نتایج این تحقیق نام‌گذاری محلی گونه‌های گیاهی با توجه به خصوصیات ریخت‌شناسی (مورفولوژیک)، ثمره (میوه)، خواص (کاربرد) گیاهان، شباهت به گیاهان دیگر، نشانه تغییر فصل، خوراکی یا علوفه‌ای بودن و مکان رویش است. به‌عنوان نمونه در رابطه با تأثیر نام از خصوصیات ریخت‌شناسی می‌توان به گیاه سورپا (بن سرخ) اشاره کرد که سور به

معنی قرمز و پا به معنی پا یا پایه است که در واقع به قرمزرنگ بودن پایه این گیاه دلالت دارد، یا گیاه دُمی ورک (گوش خرگوش) که دُمی به معنای دُنبه و ورک به معنای گوسفند است که نشان‌دهنده این است که برگ‌های این گیاه به دُنبه گوسفند شباهت دارد، یا گیاه گمال دُم (گلرنگ مقدس) که گمال به معنی سگ است و نشان‌دهنده این است که برگ و گل این گیاه به دُم سگ شباهت دارد.

برخی گیاهان از روی ثمره یا میوه نام‌گذاری شده‌اند، مثلاً به درخت بنه که میوه‌اش استخوانی است وی سفته و به درخت خینجوک که میوه‌اش نرم‌تر است وی نرمه گفته می‌شود، یا به درختچه نسترن کوهی نام محلی می‌داده (مو دارد) اطلاق می‌شود که به این دلیل است که درون میوه‌اش کرک یا به بیانی دیگر مو دارد، گونه‌های دیگر نیز وجود دارند که به دلایل مشابه نام‌گذاری محلی شده‌اند از جمله نام‌های محلی زالزالک ارمنستانی، زالزالک خونین، گیس چسبک، شیرخشت زاگرسی و غیره. گونه‌های نیز بودند که به دلیل مکان رویش آنها نام‌گذاری شده‌اند مانند زرد بید که در کنار آبها رویش دارد و به آن وی روی (به معنی بید کنار رودی) گفته می‌شود و یا بید سفید که در خشکی‌ها هم رویش دارد و به آن وی چمنی (به معنی بید خشکی) اطلاق می‌شود. همان‌طور که اشاره شد خواص گیاهان نیز در نام‌گذاری آنها مؤثر بوده است از جمله این گیاهان می‌توان به گیاهان بذربلنج یا بنگه لوله به دلیل تأثیر نشسته‌کننده آن، فرفیون با نام محلی خوشیل (به معنی شیر داری) به دلیل شیره آن، گل آفتاب اروپایی با نام محلی دوملیچک (دانه‌های گنجشک) به دلیل استفاده گنجشک از دانه‌های آن و مینای پرکپه با نام محلی خرسداری (غذای خرس) به دلیل استفاده خرس از این گیاه اشاره کرد.

گیاهانی نیز بودند که به دلیل شباهت به گیاهان دیگر توسط بومیان نام‌گذاری شده‌اند مانند خارپنبه شاهویی با نام محلی کنگر خار به دلیل شباهت آن به گیاه کنگر، کاکوتی کوهی با نام محلی پینه کوهی به دلیل شباهت عطروطعم آن به گیاه پونه و نام محلی چندین گیاه دیگر از جمله تره کوهی، والک، ماشک خزری، شنبلیله و جوخودرو قابل ذکر هستند. قابل ذکر که در بین گیاهان مورد بررسی گل گیاه زعفران جو قاسم در بین

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۳۵

روستاییان نشان‌دهنده زمان شخم‌زنی و اول پاییز بود به همین دلیل نام این گل را گُل گایاری (به معنی گل نشان‌دهنده زمان شخم و گایاری) نهاده‌اند که به‌نوعی نشان‌دهنده فصل پاییز است.

نتایج بررسی ریشه‌شناسی نام‌های محلی گیاهان با بررسی فروزه و همکاران (۱۳۹۳:۱۲۱) که در استان کهگیلویه و بویراحمد انجام داده‌اند همخوانی دارد، محققین در مورد نام‌گذاری چند گونه گیاهی اشاره کرده‌اند نام‌گذاری بر اساس دانش بومی است و خواص و خصوصیات ظاهری گیاهان در نام‌گذاری آنها تأثیرگذار بوده است، به‌عنوان نمونه نام‌گذاری گیاه جاشیر را بر اساس خصوصیت و تأثیر این گیاه در زیاد کردن شیر دام دانسته‌اند. کیاسی و همکاران (۱۳۹۸:۱۸۶) در مطالعه خود در استان گلستان نیز بیان کرده‌اند که نام‌گذاری محلی گیاهان متناسب با خصوصیات ریخت‌شناسی، نیازهای بوم‌شناسی (اکولوژیک)، بو، طعم و محل رویشگاه آنها است. ایشان در تحقیق خود اشاره می‌کنند که به دلیل لانه‌گزینی پرنده کبک زیر گیاه آویشن به آن نام محلی به معنی علف کبک گفته می‌شود که در تحقیق حاضر نیز نام گیاه مینای پرکپه (خرسرداری) نیز این‌گونه انتخاب شده بود.

البته باید توجه داشت که به نظر می‌رسد نام‌گذاری برخی از گیاهان وابسته به آداب و رسوم محلی و دیدگاه آنها نسبت به گیاهان باشد به‌عنوان نمونه نام محلی گیاه غازیاقی در مطالعه کیاسی و همکاران (۱۳۹۸:۱۶۶) به معنای ناخن عروس است در حالی در مطالعه حاضر نام آن به دلیل شباهت برگ‌های آن به پنجه‌های قاز است، که این تفاوت به نظر بیشتر مربوط به استفاده از روغن این گیاه برای رشد ناخن زنان و عروس‌ها در مطالعه کیاسی و همکاران (۱۳۹۸:۱۶۶) است، که در مطالعه دیگر نیامده است و در تحقیق حاضر نیز چنین مورد دیده نشد، بنابراین ممکن است برخی نام‌های گیاهان برای مخاطبان ناآشنا و ناملموس باشد و مربوط به یک فرهنگ خاص باشد.

زمد و مسفین (۲۰۰۱:۵۱) در تحقیق خود اشاره دارند که اسامی که نام حیوانات اهلی در آنها به کاررفته است به‌طورمعمول خوراکی هستند و آنهایی که نام حیوانات وحشی و

خطرناک در آنها به کاررفته است خوراکی نیستند، هرچند چنین نتایجی در تحقیق ما به شکل برجسته‌ای دیده نشد ولی نتایج بیانگر این بود که برای نام‌گذاری برخی گیاهان خوراکی و مفید از پسوند "حلال" استفاده شده است مانند نام محلی گیاه سلمه تره یا کما، همچنین با توجه به نجس بودن حیوان سگ در فرهنگ و دین اسلام یا جایگاه پایین الاغ (خَر) در فرهنگ مردم واژه سگ یا خَر معمولاً نشان‌دهنده غیرخوراکی بودن و استفاده کم از آن گیاه است مانند نام محلی گیاه گلرنگ مقدس و گیاه کلاغک، که با نتایج زمد و مسفین (۵۱:۲۰۰۱) همخوانی دارد. با توجه به مطالب ذکر شده به نظر با ریشه‌شناسی و تحقیق در مورد نام محلی گیاهان به خوبی می‌توان به دانش بومی نهفته در دل نام‌های محلی و حتی برخی فرهنگ‌های جامعه دست‌یافت، از این رو پیشنهاد می‌شود که در صورت امکان نام‌گذاری فارسی برخی گونه‌های گیاهی که ریشه و مفهوم قوی ندارند در کتاب‌های گیاه‌شناسی موردبازنگری قرار گیرند، البته نام‌گذاری‌های باید به گونه‌ای باشد که برای غالب جامعه ملموس و قابل فهم باشد نه اینکه مربوط به یک فرهنگ خاص باشد، به عنوان نمونه به نظر می‌رسد نام محلی خرسداری با توجه به ویژگی‌های این گیاه مناسب‌تر از نام مینای پرکپه باشد.

همان‌طور که نتایج نشان داد دانش بومی روستاییان محدود با نام‌گذاری گیاهان نیست بلکه آنها از مکان رویش، مراحل رویش، زمان گل‌دهی و میوه دهی تمامی گیاهان شناسایی شده به خوبی اطلاع دارند. به عنوان نمونه بومیان به خوبی و دقیق محل رویش گیاهان با ارزش خوراکی یا دارویی مانند سریش تماشایی، بن سرخ، آویشن، کاکوتی کوهی و بسیاری گیاهان دیگر و حتی گیاهان با ارزش علوفه‌ای مانند آوندول، توت روباهی، کما، شکر تیغال، پیکل و غیره را به خوبی می‌دانند و یک از دلایل اصلی کوچ دامداران روستایی به ارتفاعات سامان عرفی در فصل بهار بهره‌مندی از این گیاهان است. از طرف دیگر از زمان دقیق برداشت گیاهان برای انواع استفاده به خوبی آگاه هستند به عنوان مثال این دانش را دارند که زمان برداشت گیاه آوندول برای استفاده خوراکی اوایل بهار است که ساقه آبدار و نرم است و اگر از این زمان بگذرد ساقه گیاه سفت می‌شود که

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۳۷

در آن زمان تنها دامها از این گیاه تغذیه می کنند و یا اینکه میوه درخت بنه اوایل بهار نرم و خوراکی است و در اواخر بهار و تابستان سفت و استخوانی و غیرقابل مصرف می شود. این نتایج با یافته های فروزه و همکاران (۱۳۹۳: ۱۲۵ و ۱۲۶)، میردیلمی و همکاران (۱۳۹۳: ۱۴۱ و ۱۴۲)، حسینی و همکاران (۱۳۹۷: ۸۳) و کیاسی و همکاران (۱۳۹۸: ۱۸۸) همخوانی دارد.

دانش بومی در ارتباط با گیاهان علاوه بر موارد ذکر شده شامل شیوه بهره برداری، شیوه استفاده (مصرف) و مقدار مصرف به ویژه برای خواص دارویی آنها می شود. نتایج نشان داد که استفاده خوراکی و دارویی از گیاهانی مانند بلوط، بادام بی برگی، سریش تماشایی، بن سرخ، بنه، اوجا، مینای پرکپه، موسیر و غیره نیازمند دانش بهره برداری و فرآوری آنها است. مهدوی و همکاران (۱۳۸۷: ۵۱۲)، حسینی و همکاران (۱۳۹۷: ۵۳)، چینسمبو و همکاران (۲۰۱۹: ۴) و کاتامبی و همکاران (۲۰۲۰: ۴۸۳) در پژوهش های خود بیان می کنند که مردمان محلی دانش بهره برداری و استفاده از اندام های مختلف گیاهان شامل ریشه، ساقه، برگ، گل و میوه آنها برای استفاده خوراکی و درمان بیماری های گوارشی، قلبی و تنفسی را دارند که نشان دهنده دانش بسیار گسترده بومیان از گیاهان است. نتایج در ارتباط با استفاده خوراکی از گیاهان نشان داد که ۴۹/۶ درصد (۵۹ گونه) گونه های شناسایی شده استفاده خوراکی داشته اند که بیشترین استفاده در بین سایر استفاده ها بوده است.

استفاده خوراکی از گیاهان خودرو (WEPS) از مهم ترین انواع استفاده از گیاهان در گذشته تا به امروزه بوده است به طور که حتی در زمان قحطی و خشکسالی در کشور ایران و دیگر کشورها نجات دهنده جان مردمان بوده است (فرهادی، ۱۳۸۵: ۷۲؛ Shin et al., 2018: 1). علی رغم اهمیت دانش بومی پیرامون گیاهان خوراکی خودرو بررسی این گونه ها در کشور ایران و دیگر نقاط جهان کمتر مورد توجه بوده است. فرهادی (۱۳۸۵: ۶۱) در مطالعه خود در مراتع شهرستان خمین به شناسایی بیش از پانزده گونه خوراکی اشاره داشته اند از جمله این گیاهان یولاف، بن سرخ، غازیاقی، پونه، پیاز کوهی،

تره کوهی، زعفران جوقاسم، سیرکوهی، کنگر، و موسیر بوده است که در تحقیق حاضر نیز اغلب این گونه‌ها توسط روستاییان شناسایی شده و مورد استفاده بوده است. همچنین مهدوی و همکاران (۵۱۲:۱۳۸۷) به برداشت از شیره سقز، میوه زالزالک، بنه، بادام، بلوط، گلابی وحشی برای استفاده خوراکی اشاره دارند که در منطقه مورد ما نیز این گونه‌ها از گونه‌های خوراکی بوده است. حسینی و همکاران (۴۳:۱۳۹۷) در مراتع شهرستان نیشابور ۳۶ گیاه خوراکی شناسایی کرده‌اند که نشان از تنوع پایین‌تر گیاهان خوراکی نسبت به تحقیق حاضر دارد، دلیل این تنوع پایین می‌تواند تفاوت جغرافیایی مناطق و نیز تأکید بیشتر محققین بر خواص دارویی گیاهان باشد، چرا که نتایج تحقیق شین و همکاران (۱:۲۰۱۸) و موتی و همکاران (۲۲۷:۲۰۲۰) که با هدف بررسی WEPS انجام شده است منجر به شناسایی بیش از ۸۰ گیاه خوراکی شده است و از این نظر به نتایج تحقیق حاضر نزدیک‌تر است. بنابراین با توجه به بررسی محدود WEPS علی‌رغم اهمیت بالای آنها در زندگی بومیان در کشور ایران پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده به این مهم و نقش این گیاهان در تغذیه و امنیت غذایی بومیان بیشتر توجه شود.

بخش دیگر نتایج گیاه مردم‌نگاری مربوط به شناخت گیاهان علوفه‌ای یا گیاهان مورد استفاده دام‌ها بود که از غنای قابل توجهی برخوردار بود. بومیان نام گیاهان علوفه‌ای، فصل رویش، قدرت چاق‌کنندگی و مکان رویش آنها را به خوبی می‌دانستند. از جمله گیاهان علوفه‌ای که برای دام مقوی بود می‌توان برگ و میوه درخت بلوط، برگ درختان زبان‌گنجشک و کیکم، گیاهان چویل سه پاره، آوندول، توت روباهی، کما، شکر تیغال، پیکل، شبلیله و سرشکافته اشاره کرد. مطالعه در ارتباط با دانش بومی در ارتباط با گیاهان علوفه‌ای در کشور ایران بسیار اندک انجام شده است. فرهادی (۱۳۸۵: ۶۱ و ۶۶ و ۶۷ و ۷۰ و ۷۲ و ۷۸) در مطالعه خود اشاره دارند که گیاهی با نام محلی آسینگرک، بته کبوده، بیسخمینی، تلخه پهنه، تیغ شکری، جویرابر، زول در شهرستان خمین به عنوان علوفه دام مورد استفاده قرار گرفته‌اند و مردم محلی نسبت به آنها شناخت دارند، ولی با توجه به عدم استفاده محقق از نام علمی گیاهان امکان مقایسه نتایج با تحقیق حاضر وجود ندارد،

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۳۹

باین حال نشان دهنده اهمیت گیاهان علوفه‌ای در تحقیق انجام شده است. نتایج نشان بیانگر این بود که ۴۱/۲ درصد گیاهان (۴۹ گونه) شناسایی شده استفاده علوفه‌ای داشته‌اند. استفاده از گیاهان شامل استفاده از برگ و میوه درختان و درختچه‌ها در فصول مختلف سال و نیز استفاده از گیاهان علفی بیشتر در فصول بهار و تابستان است. استفاده علوفه‌ای از گیاهان همچنین در مطالعه بازگیر و همکاران (۱۷۹:۱۳۹۴)، لوسک^۱ و ایکن^۲ (۹۷۵:۲۰۱۸) و کاتامبی و همکاران (۴۷۹:۲۰۲۰) نیز مورد اشاره قرار گرفته است. به دلیل مطالعات محدود انجام شده در کشور ایران شناخت از تنوع گیاهان خودروی مورد استفاده دام در کشور بسیار کم است، این در حالی است که مطابق نتایج سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۹۳، نزدیک به ۱/۲ میلیون دامدار به پرورش ۴۳/۸ میلیون رأس دام سبک پرداخته‌اند که تأمین کننده بخش مهم از پروتئین مصرفی در کشور است، بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر در سایر مناطق کشور به شناخت و اهمیت مصرف گیاهان خودروی علوفه‌ای در تغذیه دام‌ها و معیشت دامداران پرداخته شود. از طرف دیگر با توجه به تنوع بالای گیاهان مورد استفاده به‌عنوان علوفه دام، انجام مطالعه در این زمینه به‌منظور مدیریت مؤثر این گونه‌ها و ایجاد برنامه‌های حفاظتی برای حفظ تنوع این گیاهان می‌تواند مفید باشد.

نتایج استفاده دارویی در این تحقیق بیانگر این بود که ۲۸/۶ درصد (۳۴ گونه) گیاهان برای اهداف دارویی مختلف توسط روستاییان کاربرد داشته است. نتایج پژوهش‌های دیگر که در کشور ایران و دیگر نقاط دنیا که به‌طور خاص به بررسی گیاهان دارویی پرداخته‌اند منجر به شناسایی تعداد بیشتری گیاه دارویی شده است (احمدی و همکاران، ۸۵:۱۳۸۸؛ خدایاری و همکاران، ۱۲:۱۳۹۳؛ علی‌میرزایی و همکاران، ۱۵۷:۱۳۹۶؛ دلفان و همکاران، ۶۴:۱۳۹۸؛ مهرنیا و حسینی، ۸۱:۱۳۹۹؛ چینسمبو و همکاران، ۳۶۹:۲۰۱۹؛ ژیونگ و همکاران، ۴۰۱:۲۰۲۰). دلایل اصلی اختلاف تعداد گونه شناسایی شده در پژوهش‌های

1. Luske
2. Eekeren

دیگر مربوط به سطح مطالعه (در پژوهش‌های دیگر وسیع‌تر بوده است)، روش مطالعه (در تحقیق حاضر تنها گونه‌های که طبق دانش بومیان خواص دارویی دارند ذکر شده است) و منطقه مطالعه است.

البته بسیاری از گونه‌های دارویی شناسایی شده در تحقیق حاضر در پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۸۸: ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷)، دلفان و همکاران (۱۳۹۸: ۷۳ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷) و مهرنیا و حسینی (۱۳۹۹: ۸۱) که در استان لرستان و نیز مطالعه ابطحی (۲۰۰: ۱۳۹۸) که در استان مرکزی انجام شده است گزارش شده‌اند از جمله این گیاهان که در تحقیق ما نیز مورد شناسایی قرار گرفته‌اند می‌توان به استفاده‌های دارویی از بلوط، بنه، انجیر، اوجا، نسترن کوهی، موسیر، بابونه، بن سرخ، سریش، فرفیون، کنگر، پونه، چای کوهی، آویشن، شنگ، بادرنجوبه دناپی، زعفران جوقاسم و فرنجمشک اشاره کرد. با این حال تفاوت در تحقیق حاضر و مطالعات انجام شده در این است که در اینجا تلاش شده است دانش بومی گیاهان دارویی منتخب به‌طور جامع‌تر تشریح گردد.

نتایج بیانگر این بود که علاوه بر سه استفاده اصلی (خوراکی، علوفه‌ای و دارویی) از گیاهان برای ساخت ابزار، صنایع دستی، ساختمان، پرچین و آرایشی، تزئینی و غیره استفاده می‌شود. در پژوهش‌های دیگر از جمله از کیا و یوسفی (۱۳۸۳: ۱۵) و بازگیر و همکاران (۱۳۹۴: ۱۷۹) به‌صورت موردی به استفاده از درخت بلوط برای ساخت ابزار، ساختمان و پرچین اشاره شده است. فرهادی (۱۳۸۵: ۶۲ و ۶۷ و ۷۸ و ۸۷) در پژوهش خود به استفاده از گیاهان برای ساخت ابزار و صنایع دستی اشاره دارند به‌عنوان نمونه بیان می‌کنند که بومیان از چوب ارژن برای ساخت عصا و ابزار، از اسفند به‌عنوان دفع شور چشمی و تزئینی در منازل، از گیاه روناس برای رنگرزی، از شکر تیغال و برخی دیگر از گونه‌ها برای زنبورداری و از چوب کیکم برای ساخت پپ و وافور استفاده دارند، همچنین از گیاهانی برای ساختن جارو و نیز تأمین سوخت استفاده داشته‌اند که این نتایج در تحقیق حاضر نیز مورد تأیید قرار گرفته است. رضوی (۱۳۹۴: ۱۲۰) به مقدس بودن درخت کنار در بین بومیان اشاره می‌کند، که با نتایج تحقیق حاضر و اعتقاد به چوب درخت تادار در دفع

گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پوره‌اشمی | ۱۴۱

شورچشمی قابل‌مقایسه است. موتته و همکاران (۲۰۱۹:۲۱) در کشور آفریقای جنوبی نیز به استفاده از شاخه درختان به‌عنوان حصار، دسته ابزار، سوخت و استفاده اعتقادی از درختان اشاره دارند البته در این تحقیق اشاره شده است که از چندین گیاه به‌عنوان تنباکو نیز استفاده می‌شود که به دلیل تفاوت در پوشش گیاهی دو منطقه گیاهی، این استفاده در تحقیق حاضر یافت نشد.

در مطالعه حاضر گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودرو به شکل جامع مورد بررسی قرار گرفت که نشان می‌دهد نگرش تک‌بعدی به گیاهان و شناخت محدود از آنها به‌منظور استفاده تجاری یا صنعتی می‌تواند منجر به صدمه به زنجیره دانش بومی گیاهان و حتی صدمه به معیشت بومیان گردد، چرا که دانش و وابستگی روستاییان نسبت به گیاهان همه‌جانبه و پیچیده است. از این رو با توجه به شرایط شکننده و تخریب شده جنگل‌های زاگرس و نیز وابستگی شدید جوامع بومی به این جنگل‌ها و کمک این گیاهان به انسان‌ها در زمان مشکلات اقتصادی، سختی و قحط‌سالی، استفاده معیشتی و نه اقتصادی از گیاهان خودرو شاید پیشنهاد بهتری باشد. همچنین باید توجه داشت این استفاده‌های ملموس از گیاهان بودند که در این تحقیق مورد توجه بودند در حالی که گیاهان خدمات اکوسیستمی بسیار متنوع‌تر و حتی ارزشمندتری را برای انسان‌ها فراهم می‌کنند، از این رو ارزش گیاهان و نگرش نسبت به آنها نباید منحصر به این استفاده‌های ملموس گردد.

سپاسگزاری

از همه اهالی روستاهای مورد مطالعه به‌ویژه خانواده‌های محترم رضایی بسطامی و ولی زاده که در انجام تحقیق و اسکان در محل بسیار یاری‌رسان بوده‌اند نهایت تشکر را داریم، همچنین از جناب آقای دکتر غلامحسن ویسکرمی که با نهایت صبر و حوصله زحمت شناسایی گونه‌های گیاهی را متقبل شده‌اند بسیار متشکریم.

منابع

- اسدی، مصطفی؛ رمک معصومی، علی اصغر؛ خاتم‌ساز، معصومه و مظفریان، ولی‌الله. (۱۳۶۸) - (۱۳۹۸)، فلور ایرانیکا، تهران: مؤسسه تحقیقات جنگل‌ها و مراتع.
- ابطحی، فائزه‌السادات. (۱۳۹۸)، «مطالعه اتنوبوتانی برخی گیاهان دارویی شهرستان شازند، استان مرکزی»، فصلنامه علمی پژوهشی گیاهان دارویی، دوره ۲، شماره ۷۰: ۱۹۷-۲۱۱.
- احمدی، شهلا؛ بابا خالو، پرویز و کریمی فر، محمدعلی. (۱۳۸۸)، «گیاهان دارویی استان لرستان»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دوره ۱۱، شماره ۵: ۸۵-۱۰۰.
- ازکیا، مصطفی و یوسفی، جلال. (۱۳۸۳)، «دانش بومی استفاده از بلوط در شهرستان ممسنی»، نامه انسان‌شناسی، ۶: ۳۷-۱۵.
- اهوازی، مریم؛ اکبرزاده، محمد؛ خلیقی سیگارودی، فرحناز و کهندل، اصغر. (۱۳۹۱)، «معرفی گیاهان دارویی پرمصرف در طب سنتی منطقه شرق مازندران»، فصلنامه گیاهان دارویی، شماره ۴۴: ۱۶۴-۱۷۶.
- اهوازی، مریم؛ مظفریان، ولی‌الله؛ نژاد ستاری، طاهر؛ مجاب، فراز؛ چرخچیان، محمدمهدی؛ خلیقی سیگارودی، فرحناز و اجنی، یوسف. (۱۳۸۶)، «کاربرد دارویی سنتی گیاهان بومی منطقه الموت قزوین (تیره Rosaceae و Lamiaceae)»، فصلنامه گیاهان دارویی، دوره ۴: ۱-۱۱.
- بازگیر، احمد؛ نیرانیان، منوچهر و عواطفی همت، محمد. (۱۳۹۴)، «گیاه مردم‌نگاری برودار در منطقه کاکاشرف شهرستان خرم‌آباد»، دو فصلنامه دانش بومی ایران، شماره ۳: ۱۷۹-۲۲۲.
- بهرامی، بهنام و کمالی، پریا. (۱۳۹۱)، «معرفی گیاهان دارویی مراتع کوهستانی شمال غرب ایران با تأکید بر دانش بومی و سنتی (مطالعه موردی: اکوسیستم مرتعی خرابه سنجی ارومیه)»، فصلنامه علمی پژوهشی اکوسیستم‌های طبیعی ایران، شماره ۲: ۵۹-۶۹.
- پورهاشمی، مهدی و پناهی، پریسا. (۱۳۹۹)، «گیاه مردم‌نگاری کمی گیاهان چوبی دارویی در منطقه هرابلوط شهرستان نورآباد ممسنی، استان فارس»، نشریه علمی ترویجی فناوری گیاهان دارویی ایران، دوره ۳، شماره ۱: ۶۲-۷۴.
- حسینی، سید علی؛ ابرسجی، قاسمعلی و حسینی، سید علی. (۱۳۸۷)، «گیاهان دارویی استان گلستان»، فصلنامه علمی - پژوهشی گیاهان دارویی و معطر ایران، شماره ۴: ۴۷۲-۴۹۸.

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۴۳

- حسینی، مروارید؛ فروزه، محمدرحیم و بارانی، حسین. (۱۳۹۷)، «دانش بومی جوامع محلی پیرامون گیاهان خوراکی خودرو در مراتع زبرخان نیشابور»، دو فصلنامه دانش بومی ایران، شماره ۹: ۴۳-۹۶.
- حیدری، عاطفه؛ زالی، سید حسن و حیدری، قدرت الله. (۱۳۹۳)، «گیاه مردم نگاری منطقه بیلاقی نمارستاق، شهرستان آمل (استان مازندران)»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۴: ۳۳۰-۳۳۹.
- خالقی، باقر؛ عوافی همت، محمد؛ شامخی؛ تقی و شیروانی، انوشیروان. (۱۳۹۴)، «دانش اکولوژیک سنتی مردم محلی از خواص دارویی گیاهان علفی و بوته‌ای در حوزه ایلگنه چای ارسباران»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۴: ۲۰۳-۲۳۴.
- خدایاری، حامد؛ امانی، شهریار و امیری، حمزه. (۱۳۹۳)، «اتنوبوتانی گیاهان دارویی شمال شرق استان خوزستان»، فصلنامه اکوفیتوشیمی گیاهان دارویی، شماره ۴: ۱۲-۲۶.
- دلفان، اسماعیل؛ خدایاری، حامد و عزیزی، خسرو. (۱۳۹۸)، «اتنوبوتانی گیاهان دارویی بومی در مناطق زاغه و بیرانشهر، استان لرستان»، ایران، فصلنامه اکوفیتوشیمی گیاهان دارویی، شماره ۴: ۶۴-۸۲.
- دولتخواهی، مهدی و نبی‌پور، ایرج. (۱۳۹۳)، «بررسی اتنوبوتانی گیاهان دارویی حوزه آبریز شمال شرقی خلیج فارس»، فصلنامه گیاهان دارویی، دوره ۲، شماره ۵۰: ۱۲۹-۱۴۳.
- ذوالفقاری، اسلام؛ عادل، ابراهیم؛ مظفریان، ولی اله؛ بابایی کفاکی، ساسان و حبیبی بی‌بالان، قاسم. (۱۳۹۱)، «شناسایی گیاهان دارویی منطقه ارسباران و مطالعه دانش بومی مردم محلی (مطالعه موردی: جنگل‌های ارسباران، حوضه آبخیز مردانقم چای)»، تحقیقات گیاهان دارویی و معطر ایران، دوره ۲۸، شماره ۳: ۵۳۴-۵۵۰.
- رضایی بنفشه، مجید و کاکولوند، یوسف. (۱۳۹۳)، «ناحیه‌بندی استان لرستان با استفاده از تحلیل خوشه‌ای»، فصلنامه جغرافیایی طبیعی، سال هفتم، شماره ۲۶: ۴۱-۵۰.
- رضوی، منصوره. (۱۳۹۴)، «دانش بومی استفاده از گیاهان خودرو در شمال شرق خوزستان مطالعه موردی شهرستان ایذه»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۳: ۱۰۲-۱۴۰.
- سجادی، سید ابراهیم؛ بتولی، حسین و قنبری، علی. (۱۳۹۰)، «جمع‌آوری و بررسی مصارف سنتی منتخبی از گیاهان شهرستان کاشان»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۱: ۲۹-۳۶.

- شریفی فر، فریبا؛ محرم‌خانی، محمدرضا؛ معطر، فریبرز؛ باباخانلو، پرویز و خدای، مجتبی. (۱۳۹۲)، «مطالعه اتنوبوتانی برخی از گیاهان دارویی ناحیه کوه جوپار استان کرمان»، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، دوره ۲۱، شماره ۱: ۳۷-۵۱.
- علی‌میرزایی، فهیمه؛ بهمنش، بهاره؛ محمدی استادکلایه، امین و شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۶)، «دانش بومی گیاهان دارویی از دیدگاه بهره‌برداران عشایری در مرتع چهل کمان استان خراسان رضوی»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۷: ۱۵۷-۲۰۱.
- فروزه، محمدرحیم؛ حشمتی، غلامعلی و بارانی، حسین. (۱۳۹۳)، «گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی و دارویی مرتع دیلگان، استان کهگیلویه و بویراحمد»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۱: ۱۰۹-۱۲۹.
- فرهادی، مرتضی. (۱۳۸۵)، «گیاه قوم‌نگاری با چکیده و نمونه‌هایی از گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی کمره»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴-۳۵: ۴۱-۹۶.
- قاسمی دهکردی، نصرت‌اله؛ نوروزی، مصطفی و صفایی عزیز، علی. (۱۳۹۱)، «جمع‌آوری و بررسی مصارف سنتی منتخبی از گیاهان شهر جندق»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، شماره ۱: ۱۰۵-۱۱۲.
- کیاسی، یاسمن؛ فروزه، محمدرحیم؛ میردیلیمی، سیده زهره و نیک‌نهاد، حمید. (۱۳۹۸)، «گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی، دارویی و صنعتی مرتع خوش بیلاق استان گلستان»، دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، شماره ۱۱: ۱۵۱-۲۰۴.
- محمدی کنگرانی، خانانه؛ شامخی، تقی؛ بابایی، محمد؛ اشتریان، کیومرث و عرب، داود رضا. (۱۳۸۸)، «تعیین و تحلیل مسیرهای سیاست‌گذاری میان سه متغیر نهاد، جنگل و آب در ناحیه رویش زاگرس (مطالعه موردی حوضه آبخیز وزگ در استان کهگیلویه و بویراحمد)»، مجله جنگل ایران، شماره ۴: ۳۴۵-۳۵۹.
- مظفریان، ولی‌الله. (۱۳۸۸)، درختان و درختچه‌های ایران، تهران: فرهنگ معاصر.
- مظفریان، ولی‌الله. (۱۳۹۱)، شناخت گیاهان دارویی و معطر ایران، تهران: فرهنگ معاصر.
- مظفریان، ولی‌الله. (۱۳۹۲)، فرهنگ نام‌های گیاهان ایران، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ هفتم.
- مهدوی، اسعد؛ هوشنگ سبحانی؛ شامخی، تقی و فتاحی، محمد. (۱۳۸۷)، «بررسی محصولات غیرچوبی جنگل و روش‌های بهره‌برداری از آنها (مطالعه موردی: شهرستان کامیاران، استان کردستان)»، تحقیقات جنگل و صنوبر ایران، دوره ۱۶، شماره ۴: ۵۰۷-۵۲۰.

- مهرنیا، محمد و زهرا حسینی. (۱۳۹۹)، «مطالعه اتنوبوتانی گیاهان دارویی بومی منطقه الشتر (لرستان)»، *مجله طب سنتی اسلام و ایران*، شماره ۱: ۸۱-۱۱۲.

- میردیلمی، سیده زهره؛ حشمتی، غلامعلی و بارانی، حسین. (۱۳۹۳)، «مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیگ (مطالعه موردی مراتع کچیگ در شمال شرق استان گلستان)»، *دو فصلنامه دانش بومی ایران*، شماره ۲: ۱۲۹-۱۵۴.

- Carrio, Esperanc, and Vallès, Joan. (2012). "Ethnobotany of medicinal plants used in Eastern Mallorca (Balearic Islands, Mediterranean Sea)". *Journal of Ethnopharmacology*, 141 (3), 1021-1040.
- Chinsembu, Kazhila C., Syakalima, Michelo, and Semanya, Sebu Silas. (2019). "Ethnomedicinal plants used by traditional healers in the management of HIV/AIDS opportunistic diseases in Lusaka, Zambia". *South African Journal of Botany*, 122, 369-384.
- Geng, Yanfei., Gao, Shengtao., Ranjitkar, Sailesh., Yan, Qiaoshun., He, Zhijun., Su, Baqi., Niu, Junli., Bu, Dengpan, and Xu, Jianchu. (2020). "Nutrient value of wild fodder species and the implications for improving the diet of mithun (*Bos frontalis*) in Dulongjiang area, Yunnan Province, China". *Plant Diversity*, 42, 455-463.
- Kathambi, Vivian., Munyao Mutie, Fredrick., Cheptoo Rono, Peninah., Wei, Neng., Ndunge Munyao, Jacinta., Kamau, Peris., Gituru, Robert Wahiti., Hu, Guang-Wan, and Wang, Qing-Feng. (2020). "Traditional knowledge, use and conservation of plants by the communities of Tharaka-Nithi County, Kenya". *Plant Diversity*, 42, 479-487.
- Luske, Boki, and Eekeren, Nick van. (2018). "Nutritional potential of fodder trees on clay and sandy soils". *Agroforest Syst*, 92, 975-986.
- Martins, Renata Correa., Filgueira, Tarciso, and Albuquerque, Ulysses Paulino de. (2012). "Ethnobotany of *Mauritia flexuosa* (Arecaceae) in a Maroon Community in Central Brazil", *Economic Botany*, 66 (1), 91-98.
- Motetee, Annah., Moffett, Rodney, and Seleteng Kose, Lerato. (2019). "A review of the ethnobotany of the Basotho of Lesotho and the Free State Province of South Africa (South Sotho)", *South African Journal of Botany*, 122, 21-56.
- Motti, Riccardo., Bonanomi, Giuliano., Lanzotti, Virginia, and Sacchi, Romain. (2020). "The Contribution of Wild Edible Plants to the Mediterranean Diet:

An Ethnobotanical Case Study Along the Coast of Campania (Southern Italy)", *Economic Botany*, 74, 227-249.

- Prance, Ghillelan Tolmie. (2007). "Ethnobotany, the science of survival: a declaration from Kaua'I". *Economic Botany*, 61, 1-2.
- Rahman, Inayat Ur., Afzal, Aftab., Iqbal, Zafar., Ijaz, Farhana., Ali, Niaz., Shah, Muzammil., Ullah, Sana, and Bussmann, Rainer. W. (2019). "Historical perspectives of ethnobotany". *Clinics in Dermatology*, 37 (4), 382-388.
- Robinson, Timothy Paul., Wint, William., Conchedda, Giulia., et al., (2014). "Mapping the global distribution of livestock", *Plos One*, 9 (5), 1-13.
- Shin, Thant., Fujikawa, Kazumi., Moe, Aung Zaw, and Uchiyama, Hiroshi. (2018). "Traditional knowledge of wild edible plants with special emphasis on medicinal uses in Southern Shan State, Myanmar". *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, 14 (48), 1-13.
- Wang, Jing., Seyler, Barnabas C., Ticktin, Tamara., Zeng, Yonggang, and Ayu, Kede. (2020). "An ethnobotanical survey of wild edible plants used by the Yi people of Liangshan Prefecture, Sichuan Province, China". *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, 16 (10), 1-27.
- Xiong, Yong., Sui, Xueyi., Ahmed, Selena., Wang, Zhi, and Long, Chunlin. (2020). "Ethnobotany and diversity of medicinal plants used by the Buyi in eastern Yunnan, China". *Plant Diversity*, 42: 401-414.
- Zemedede, Asfaw., and Mesfin, Taddesse. (2001). "Prospects for Sustainable Use and Development of Wild Food Plants in Ethiopia". *Economic Botany*, 1, 47-62.
- Zerabruk, Samuel, and Yirga, Gidey. (2012). Traditional knowledge of medicinal plants in Gindeberet district, Western Ethiopia. *South African Journal of Botany*, 78, 165 – 169.
- Zhao, Yanqiang., Gao, Lu., Yang, Zexing., Lang, Bayi., Wu Meng, Manfred Shao., Xue, Dayuan, and Yang, Lixin. (2020). "kincare plants of the Naxi of NW Yunnan, China". *Plant Diversity*, 42, 473-478.

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۴۷

جدول ۱- مشخصات گیاهان شناسایی شده در منطقه مورد مطالعه

| ردیف | نام فارسی | نام محلی | خانواده | نام علمی | نوع کاربرد |
|------|----------------------|-----------|----------------|---|--------------------------|
| ۱ | کیکم | درخت جیوه | Aceraceae | <i>Acer monspessulanum</i> L. | علوفه، ابزار |
| ۲ | بنه | وی سفته | Anacardiaceae | <i>Pistacia atlantica</i> Desf. | خوراکی، دارویی، ابزار |
| ۳ | خینجوک | وی نرمه | | <i>Pistacia khinjuk</i> Stocks. | خوراکی، ابزار |
| ۴ | گل گاوزبان | گل گازو | Boraginaceae | <i>Anchusa italic</i> Retz. | دارویی |
| ۵ | شن | آشه | Caprifoliaceae | <i>Lonicera nummulariifolia</i> Jaub. & Spach | ابزار |
| ۶ | سلمه تره | سَلْمونِه | Chenopodiaceae | <i>Chenopodium album</i> L. | خوراکی |
| ۷ | گل آفتابی اروپایی | دوملیچک | Cistaceae | <i>Helianthemum ledifolium</i> (L.) Miller | خوراکی، علوفه |
| ۸ | خارپنبه | فلاور | Compositae | <i>Onopordon acanthium</i> L. | علوفه |
| ۹ | شنگ اسبی پلوری | توقه | | <i>Scorzonera calyculata</i> Boiss. | خوراکی |
| ۱۰ | خارپنبه شاهویی | کنگر خار | | <i>Onopordon carduichorum</i> Bornm & Beauv. | علوفه، خوراکی |
| ۱۱ | شنگ | شنگ | | <i>Tragopogon graminifolius</i> DC. | خوراکی، علوفه |
| ۱۲ | بابونه دارویی | گل اسبیه | | <i>Matricaria recutita</i> L. | دارویی |
| ۱۳ | گل قاصد | گل گویاری | | <i>taraxacum</i> sp. | فصل شناسی |
| ۱۴ | مینای پرکپه | خرسرداری | | <i>Tanacetum polycephalum</i> Schultz spp. | دارویی |
| ۱۵ | شنگ اسبی کاکلی | هپلوک | | <i>Scorzonera papposa</i> DC. | خوراکی |
| ۱۶ | گل گندم طلایی | تله | | <i>Centaurea behen</i> L. | خوراکی، علوفه |
| ۱۷ | کنگر خوراکی | کنر | | <i>Gundelia tournefortii</i> L. | خوراکی، علوفه |
| ۱۸ | علف جارو | دم جارو | | <i>Lactuca orientalis</i> Boiss. | ابزار |
| ۱۹ | شکر تیغال | قن شکروک | | <i>Echinops Hausskenchtii</i> Boiss. | دارویی، علوفه، زنبورداری |
| ۲۰ | شکر تیغال | شش پر | | <i>Echinops</i> sp. | علوفه |

| | | | | | |
|---|--|---------------|----------------|--------------------|----|
| خوراکی، دارویی | <i>Artemisia haussknechtii</i> Boiss. | | جوشن | درمنه زاگرسی | ۲۱ |
| علوفه، خوراکی | <i>Silybum marianum</i> (L.) Gaertn. | | شیشه‌مور | خار مریم | ۲۲ |
| علف هرز | <i>Carthamus oxyacantha</i> M.B. | | درک زرده | گلرنگ زرد | ۲۳ |
| دارویی، خوراکی، صنایع‌دستی | <i>Achillea Wilhelmsii</i> C.koch | | برنج‌داس | بومادران | ۲۴ |
| علف هرز | <i>Carthamus lanatus</i> L. | | گمال دم | گلرنگ مقدس | ۲۵ |
| علوفه | <i>Conringia orientalis</i> (L.) Andr. | | دمی ورک | گوش خرگوش | ۲۶ |
| خوراکی | <i>Sinapis arvensis</i> L. | | ترپوکه | خردل بیابانی | ۲۷ |
| خوراکی، دارویی | <i>Descurainia Sophia</i> (L.) Webb & Berth. | Cruciferae | پقلاچکه | خاکشیر ایرانی | ۲۸ |
| علوفه | <i>Erysimum repandum</i> L. | | گل زرد | خاکشیر تلخ مواج | ۲۹ |
| دارویی | <i>Bryonia multiflora</i> Boiss. & Helder. | Cucurbitaceae | شومی شیطونی | فاشرا | ۳۰ |
| علوفه | <i>Carex</i> sp. | Cyperaceae | پیزل | جگن | ۳۱ |
| علوفه | <i>Cephalaria syriaca</i> (L.) Schrad. | Dipsacaceae | گرگ آو | سرسکافته | ۳۲ |
| خوراکی | <i>Elaeagnus angustifolia</i> L. | Elaeagnaceae | سرینجه | سنجد | ۳۳ |
| دارویی، علوفه | <i>Euphorbia</i> sp. | Euphorbiaceae | خوشیل | فرفیون، شیرسگ | ۳۴ |
| دارویی | <i>Euphorbia helioscopia</i> L. | | شیرشیرک | فرفیون | ۳۵ |
| علوفه | <i>Lathyrus sativus</i> L. | Fabaceae | هله‌ره | خلر | ۳۶ |
| علوفه، فصل شناسی، خوراکی، دارویی، ابزار، صنایع‌دستی، | <i>Quercus Brantii</i> Lindl | Fagaceae | بلی | بلوط ایرانی | ۳۷ |
| خوراکی | <i>Fumaria officinalis</i> L. | Fumariaceae | شاتره | شاه‌تره | ۳۸ |
| علوفه | <i>Geranium tuberosum</i> L. | Geraniaceae | لیچکه | سوزن چوپان | ۳۹ |

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۴۹

| | | | | | |
|--------------------------|--|-----------|---------------|----------------------|----|
| خوراکی | <i>Crocus haussknechtii</i> Boiss. | Iridaceae | پیشوک | زعفران جوقاسم | ۴۰ |
| خوراکی، دارویی، علوفه | <i>Thymus kotschyanus</i> Boiss. & Hohen. | Lamiaceae | ازبوا | آویشن | ۴۱ |
| خوراکی، دارویی، علوفه | <i>Stachys lavandulifolia</i> Vahl. | | کُلکینه | چای کوهی | ۴۲ |
| خوراکی، دارویی | <i>Dracocephalum Kotschy</i> Boiss. | | سمسا | بادرنجوبه دنایی | ۴۳ |
| خوراکی، دارویی | <i>Ziziphora clinopodioides</i> Lam. | | پینه کوی | کاکوتی کوهی | ۴۴ |
| دارویی، خوراکی | <i>Mentha longifolia</i> L. | | پینه | پونه | ۴۵ |
| رنگرزی، دارویی | <i>Eremostachys Laevigata</i> Bunge | | گنل | سنبل بیابانی رفیع | ۴۶ |
| خوراکی، علوفه | <i>Phlomis olivieri</i> Benth. | | بله گوشه | گوش بره | ۴۷ |
| دارویی، خوراکی | <i>Melissa officinalis</i> L. | | مفراح | فرنجمشک | ۴۸ |
| خوراکی | <i>Allium Ampeloprasum</i> L. | Liliaceae | پیازوکه | تره کوهی | ۴۹ |
| خوراکی | <i>Allium tripedale</i> Trautv. | | آنش | آنشک | ۵۰ |
| خوراکی، دارویی | <i>Allium jesdianum</i> Boiss & Bushe. | | سورپا | بن سرخ | ۵۱ |
| خوراکی، دارویی | <i>Allium akaka</i> S.G.Gmel. ex Schult. & Schult.f. | | سیر کوهی | والک | ۵۲ |
| علوفه | <i>Muscari neglectum</i> Guss. ex Ten. | | کی خرونه | کلاغک | ۵۳ |
| خوراکی | <i>Eremurus spectabilis</i> M.B. | | زرشک | سریش تماشایی | ۵۴ |
| خوراکی | <i>Allium hirtifolium</i> Boiss. | | زُیل یا موسیر | موسیر | ۵۵ |
| خوراکی، دارویی | <i>Allium paniculatum</i> L. | | سیموکه | تره کوهی | ۵۶ |
| خوراکی | <i>Allium ampeloprasum</i> L. | | تره گاکوی | پیاز کلاغ | ۵۷ |
| مصرف گراز | <i>Bellevalia</i> sp. | | هیسْمَل | تمشکین | ۵۸ |
| دارویی | <i>Linum album</i> Kotschy. ex Boiss. | | کُم | کتان سفید | ۵۹ |
| خوراکی | <i>Ornithogalum persicum</i> spp. | | آوگرک | شیر مرغ ایرانی | ۶۰ |

| | | | | | |
|--------------------------|---|---------------|-----------------|------------|--------|
| دارویی | <i>Alcea L.</i> | Malvaceae | گل ختمی | گل هیرو | ۶۲ |
| خوراکی، علوفه | <i>Malva neglecta Wallr.</i> | | پنیرک | توله | ۶۳ |
| خوراکی، ابزار، دارویی | <i>Ficus carica L.</i> | Moraceae | انجیر | انجیر | ۶۴ |
| ابزار، دارویی | <i>Ficus carica L. subsp. Rupstris Hausskn. ex Boiss.</i> | | انجیر | کره | ۶۵ |
| ابزار، علوفه | <i>Fraxinus rotundifolia Miller</i> | Oleaceae | زیان گنجشک | ونو | ۶۶ |
| خوراکی | <i>Papaver rhoeas L.</i> | Papaveraceae | خشخاش زراعی | تره شیرینه | ۶۷ |
| دارویی | <i>Glycyrrhiza glabra L.</i> | Papilionaceae | شیرین بیان | بله | ۶۸ |
| علوفه | <i>Vicia hircana Fisch. & C. A. Mey.</i> | | ماشک خزری | نوزی‌ور | ۶۹ |
| خوراکی، علوفه | <i>Vicia narbonensis L.</i> | | ماشک برگ‌پهن | باقله | ۷۰ |
| زنبورداری | <i>Astragalus adscendens Boiss. & Hausskn.</i> | | گون | گونه | ۷۱ |
| خوراکی، زنبورداری، علوفه | <i>Astragalus (Poterium) fasciculifolius Boiss.</i> | | گون | بره جی جی | ۷۲ |
| علوفه | <i>Trigonella L.</i> | | شنبليله | شودر گیاه | ۷۳ |
| علف هرزه | <i>Alhagi pseudalhagi</i> | | خارشتر | شتر خار | ۷۴ |
| علوفه، صنایع دستی | <i>Vicia ervilia (L.) Willd.</i> | | گاودانه | گاینه | ۷۵ |
| خوراکی، علوفه | <i>Astragalus hamosus L.</i> | | ناخنک | چنگ گروه | ۷۶ |
| علوفه | <i>Plantago lanceolata L.</i> | | Plantaginaceae | کاردی | پرپلیک |
| علف هرز، علوفه | <i>Cynodon dactylon (L.) Pres.</i> | Poaceae | پنجه مرغی | کرتک | ۷۸ |
| علف هرز | <i>Hordeum spontaneum C. Koch</i> | | جو خودروی | جو شش پر | ۷۹ |
| ساخت چیت، دارویی | <i>Arundo donax L.</i> | | قمیش | شن | ۸۰ |
| ساختمان | <i>Sorghum halepense (L.) Pers.</i> | | چائیر | زل | ۸۱ |

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۵۱

| | | | | | |
|----------------------|---|---------------|--------------------|----------------------|-----|
| ساختمان | <i>Phragmites australis</i> (Cav.) Trin. Ex Steud | | نی | نی | ۸۲ |
| علف هرز | <i>Saccharum ravennae</i> (L.) Murray | | گابَر | تباشیر هندی | ۸۳ |
| علف هرز | <i>Avena</i> L. | | هَر | یولاف | ۸۴ |
| علوفه | <i>Biebersteinia multifida</i> DC. | | کمه گره | آدمک | ۸۵ |
| خوراکی | <i>Rheum ribes</i> L. | Polygonaceae | ریواس | ریواس | ۸۶ |
| علوفه | <i>Rumex patientia</i> L. | | تُرَشک | تُرَشک شفادهنده | ۸۷ |
| علوفه | <i>Delphinium</i> sp. | Ranunculaceae | گل ماساوه | زبان پس قفا | ۸۸ |
| علوفه | <i>Ficaria</i> Adans. | | لیچکه پیلکی | فیکاریکا | ۸۹ |
| دارویی، خوراکی | <i>Rosa canina</i> L. | Rosaceae | میداره | نسترن کوهی | ۹۰ |
| خوراکی، دارویی | <i>Crataegus Meyeri</i> A. Pojark. | | گُیرچ زرد | زالزالک ارمنستانی | ۹۱ |
| خوراکی | <i>Crataegus atosanguina</i> A. Pojark. | | گُیرچ سور | زالزالک خونین | ۹۲ |
| خوراکی | <i>Pyrus glabra</i> Boiss. | | مَرو | گلابی وحشی | ۹۳ |
| ابزار، تزیینی | <i>Cerasus Mahale</i> (L.) Miller | | ملحو | محلَب | ۹۴ |
| خوراکی، علوفه | <i>Cerasus microcarpa</i> (C.A. Mey.) Boiss. | | | برالک یا هلونه | ۹۵ |
| خوراکی، ابزار | <i>Amygdalus Haussknechtii</i> (C. K. Schneider) Bornm. | | ارژَه | ارژَن | ۹۶ |
| خوراکی، علوفه، ابزار | <i>Amygdalus arabica</i> Olivier | | وایم | بادام بی برگ | ۹۷ |
| خوراکی، ابزار | <i>Cotoneaster morulus</i> Pojark. | | | شیرحشت زاگرسی | ۹۸ |
| خوراکی | <i>Prunus domestica</i> L. | | آلی | آلوچه | ۹۹ |
| خوراکی، پرچین | <i>Rubus</i> sp. | | تیرگ (تی) هَرَه | تمشک | ۱۰۰ |
| علوفه | <i>Sanguisorba minor</i> Scop. | | قطران | توت روباهی | ۱۰۱ |

| | | | | | | |
|--------------------------|--|----------------|------------------|-----------------|-------------|-----|
| علوفه | <i>Galium aparine</i> L. | Rubiaceae | پیچنگ | بی تی راخ | ۱۰۲ | |
| ابزار | <i>Populus euphratica</i> Olivier. | Salicaceae | پلک (پیت) | پده | ۱۰۳ | |
| ابزار | <i>Salix acmophylla</i> Boiss. | | وی رویی | زرد بید | ۱۰۴ | |
| ساختمان | <i>Salix alba</i> L. | | وی چمنی | بید سفید | ۱۰۵ | |
| ساختمان، ابزار | <i>Populus nigra</i> L. | | کیاوه | صنوبر شرقی | ۱۰۶ | |
| دارویی | <i>Hyoscamus Nigra</i> L. | Solanaceae | بنگ لبله | بذرالبنج | ۱۰۷ | |
| خوراکی | <i>Solanum nigrum</i> L. | | رزله | تاجریزی | ۱۰۸ | |
| علوفه | <i>Tamarix ramosissima</i> Ledeb. | Tamaricaceae | گبز | گز پرشاخه | ۱۰۹ | |
| آرابشی | <i>Daphne mucronata</i> Royle. | Thymelaeaceae | تویلک | خوشک، تویولک | ۱۱۰ | |
| دارویی | <i>Ulmus minor</i> Miller. | Ulmaceae | وزم | اوجا | ۱۱۱ | |
| اعتقادی، خوراکی | <i>Celtis caucasica</i> Willd. | | تاوی | تادار | ۱۱۲ | |
| خوراکی | <i>Falcaria vulgaris</i> Bernh. | Umbelliferae | پاقزو | غازیاقی | ۱۱۳ | |
| علوفه | <i>Eryngium</i> sp. | | زوری | زول | ۱۱۴ | |
| خوراکی، دارویی، علوفه | <i>Ferulago angulate</i> (Schlecht.) Boiss. | | چویر | چویل سه پاره | ۱۱۵ | |
| علوفه | <i>Ferula macrocolea</i> Boiss. | | بیژ | کمای مرتفع | ۱۱۶ | |
| علوفه | <i>Ferula</i> sp. | | کمه حاله | کما | ۱۱۷ | |
| خوراکی | <i>Smyrniun cordifolium</i> Boiss. | | پینومه | آوندول | ۱۱۸ | |
| علوفه | <i>Turgenia latifolia</i> (L.) Hoffm. | | دیسنگ | گیس چسبک | ۱۱۹ | |
| علوفه | <i>Smyrniopsis Aucheri</i> Boiss. | | بوله هر یا بیلهر | پیکل | ۱۲۰ | |
| علف هرز | <i>Urtica dioica</i> L. | | Urticaceae | گزنه | گزنه دوپایه | ۱۲۱ |
| علوفه، ساخت جارو | <i>Vites Pseudo-Negundo</i> (Hausskn.) Hand. | | Verbenaceae | کرف | بنگرو | ۱۲۲ |
| خوراکی | <i>Vitis vinifera</i> L. | Vitaceae | خوره | مو | ۱۲۳ | |
| دارویی، اعتقادی | <i>Peganum Harmala</i> L. | Zygophyllaceae | آسبن | اسفند | ۱۲۴ | |
| علوفه | <i>Tribulus terrestris</i> L. | | پیکل | خارخسک | ۱۲۵ | |

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۵۳

تصاویر گیاهان منتخب سامان عرفی مورد مطالعه



ارژن



آدمک



آنجیر



آنشک



آوندول



بذر گیاه اسپند



بادرنجوبه دنايي



بادام بی برگ



بن سرخ



بذرالبنج



بومادران



بنه

گیاه مردم نگاری گیاهان خودروی منطقه بسطام...، بازگیر و پورهاشمی | ۱۵۵



تادار



پیکل



خاکشیر ایرانی



جائیر



جوشن



خوشک



زعفران جو قاسم



راناس



سلمه تره



سریش تماشایی



شنگ



سنبل بیابانی رفیع



شیرخشت زاگرسی



شنگ اسبی کاکلی



فاشرا



شیر مرغ ایرانی



کتان سفید



فرنجمشک



موسیر



کمای مرتفع



نسترن کوهی



مینای پرکپه